

نسل‌مانا

ماهنامه نابینایان / سال دوم / شماره ۱۹ / تیر ۱۴۰۲



برخی عناوین این شماره:

- * پاسخ‌گویی به افکار عمومی، حلقه مفقوده ارتباط بهزیستی با جامعه هدف
- * تبعیض علیه نابینایان از لس آنجلس تا فلاورجان
- * حواله به برزخ، تحفه میزبان به میهمانان
- * سهمیه سه درصد معلولین منهای نابینایان
- * وسایط‌های خالی و مراکز نیمه‌تعطیل، دستاورد سازمان بهزیستی

فهرست

صاحب‌امتیاز: انجمن نایب‌نایان ایران	پاسخ‌گویی به افکار عمومی، حلقه مفقوده ارتباط
مدیرمسئول: امیر سردی	بهبیستی با جامعه هدف..... ۲
سر‌دبیر: امید هاشمی	گزارش عملکرد انجمن نایب‌نایان ایران (تیر ۱۴۰۲)
نویسندگان: رؤیا بابایی، فاطمه جوادیان، نگین حیدری، امیر سردی، ابوذر سمیعی، منصور شادکام، رقیه شفیعی، مسعود طاهریان، صلاح‌الدین محمدی، امید هاشمی و زهرا همت ۵
مترجمان: میثم امینی، امین عرب، میرهادی نائینی‌زاده و امید هاشمی	پیشخوان: مروری بر نشریات و یادکست‌های انگلیسی‌زبان ویژه افراد با آسیب بینایی..... ۷
ویراستار: فاطمه محسن‌زاده	حواله به برزخ، تحفه میزبان به میهمانان قادری خطاب به خبرنگاران: مفتشی یا وکیل؟..... ۱۰
ویراستار بریل: روح‌الله رنجبر	وبسایت‌های خالی و مراکز نیمه‌تعطیل، دستاورد سازمان بهزیستی..... ۱۲
طراح لوگو و جلد: ترانه میلادی	سه روز در یک روز..... ۱۴
عوامل تهیه و تدوین یادکست‌ها: اشکان آذرماسوله، امیر سردی، منصور شادکام، رقیه شفیعی، مسعود طاهریان و امید هاشمی	معرفی دو ابزار هوش مصنوعی مینی‌جی‌پی‌تی - ۴ و میدجورنی برای توصیف تصاویر..... ۱۶
گوینده نسخه صوتی: زهرا همت	خودآگاهی: مهارتی ضروری در بهبود زندگی ما ۱۸
تنظیم نسخه‌های الکترونیکی: زهرا همت	همقدم با سم در دنیای مشاغل..... ۲۱
مدیر شبکه‌های اجتماعی: امیر سپهری	سایه ابر در تلاطم گرما (آشنایی با نرم‌افزارهای توان‌بخشی کاربران نابینا و کم‌بینا برای کامپیوتر و گوشی همراه)..... ۲۳
مدیر صفحه اینستاگرام: اعظم چلوی	چرخش در بر پاشنه قدیمی: رواج معلول‌زدگی در بهزیستی..... ۲۸
چاپ بریل: بخش نایب‌نایان کتابخانه مرکزی یزد	سهمیه سه‌درصد معلولین منهای نابینایان: ده نکته قابل‌تأمل در باب آزمون استخدامی آموزش و پرورش..... ۳۱
صحاف: ماهرخ تجا	معلولان و قوانین ایران..... ۳۴
توزیع: اداره کل پست استان یزد	نواک: نوای کتاب در گفتگو با صاحب‌نظران نابینا..... ۳۵
حامیان مالی: بانک مسکن، پرداخت الکترونیک سداد، بانک قرض‌الحسنه مهر ایران، شرکت دانش‌بنیان پکتوس، کافه‌رستوران رمیلو	از موتور خرید..... ۳۷
با سپاس از همراهی علی‌اکبر جمالی، مدیرعامل انجمن نایب‌نایان ایران	

با کپی‌برداری از کشورهای سوسیالیستی شکل گرفته و هدفش افزایش اقتدار و اختیارات دولت در همه شئون جامعه است. آنها اعتقاد داشتند این سازمان مجموعه‌ای ناهماهنگ با مأموریت‌های متنوع و گسترده است که تجمیع آنها در یک سازمان دولتی، کار دشواری است. به نظر این گروه، سپردن معلولان منحصراً به سازمانی مانند بهزیستی، موجب مغفول ماندن آنان می‌شود؛ چراکه دیگر بخش‌های سازمان جذابیت دارد و با پرداختن به سایر بخش‌ها، عملاً از معلولان به‌عنوان قشر محروم‌مانده غفلت می‌شود. مخالفان همچنین بر این باور بودند که برای امور اساسی و زیربنایی معلولان مانند فرهنگ‌سازی، آموزش، توان‌بخشی و... طرح و برنامه مشخصی در ساختار سازمان بهزیستی پیش‌بینی نشده است. اینجا پرسشی مطرح می‌شود که اصلی‌ترین وظایف و مسئولیت‌های بهزیستی در حوزه معلولان چیست؟ از میان ده‌ها وظیفه که به ادعای مدیران سازمان بهزیستی ۵۳ مسئولیت را در بر می‌گیرد، معلولان سهم گسترده‌ای دارند؛ پیشگیری از بروز معلولیت، ارائه خدمات درمانی و توان‌بخشی، حمایت و نگهداری از معلولان غیرقابل توان‌بخشی، ارائه خدمات آموزشی، تأمین جهیزیه، خدمات ورزشی، ارائه مشاوره‌های موردنیاز در حوزه‌های اجتماعی و روان‌شناختی، آموزش مهارت‌های زندگی (فردی و اجتماعی)، صدور مجوز تأسیس سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه معلولان، ایجاد مراکز توان‌بخشی روزانه و مراکز نگهداری شبانه‌روزی معلولان و نظارت بر آنها، تأمین توزیع تجهیزات کمک توان‌بخشی، پرداخت مستمری و شهریه دانشگاه‌ها، پیگیری برای دسترس‌پذیری مبلمان شهری، تأسیس مرکز حرفه‌آموزی برای معلولان، ایجاد فرصت‌های شغلی و توانمندسازی معلولان، تأمین مسکن موردنیاز این قشر و... از مهم‌ترین وظایف بهزیستی در قبال طیف‌های مختلف معلولان است. موارد بالا از آن جهت برشمرده شد که بسیاری از معلولان در این دوران فقط پیگیر برخی از خدمات سازمان بهزیستی مانند پرداخت مستمری و شهریه دانشگاه‌ها

پاسخ‌گویی به افکار عمومی، حلقه مفقوده

ارتباط بهزیستی با جامعه هدف

امیر سرمدی: مدیرمسئول



بهزیستی برجسته‌ترین سازمان دولتی برای سامان‌دهی طیف آسیب‌پذیر جامعه است و اختیارات و مسئولیت‌های فراوانی بر عهده دارد که گاهی متناسب با ظرفیت‌های مدیریتی آن نیست؛ از سویی مسئولیت تأمین رفاه خیل عظیمی از معلولان به این سازمان سپرده شده و از سویی دیگر، وظیفه سر و سامان دادن به وضعیت زنان و کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست، معتادان متجاهر و سایر آسیب‌دیدگان اجتماعی در حیطه مسئولیت‌های این نهاد دولتی جای گرفته است. به مناسبت چهل و سومین سالروز تأسیس سازمان بهزیستی، قصد داریم به برخی از وظایف محوله، ارائه آمارهای ضد و نقیض مسئولان این سازمان در حوزه معلولان، عدم پاسخ‌گویی مدیران کنونی بهزیستی به افکار عمومی و ضرورت تغییر شیوه‌های حکمرانی این سازمان در قبال معلولان بپردازیم.

نگاهی به مهم‌ترین وظایف بهزیستی در

حوزه معلولان

چگونگی عملکرد سازمان بهزیستی، از همان روزهای نخست مخالفانی داشت. مخالفان تشکیل سازمان بهزیستی در سال ۱۳۵۹ بر این باور بودند که بهزیستی

نسل‌مانا

تنها برای ۶۶ هزار نفر کارگاه آموزشی برگزار شده، یک نکته قابل تأمل است، اما از آن مهم‌تر، اعضای جامعه هدف این دوره‌ها است که تنها افراد هفت تا چهل ساله را شامل می‌شود! آیا کودکان زیر هفت‌سال نیازی به فراگیری مهارت‌های ارتباطی ندارند؟ آیا افراد بالای چهل‌سال که با ورود به دوره میان‌سالی و سپس بحران‌های سالمندی با چالش‌های متعددی روبه‌رو می‌شوند به مهارت‌هایی همچون کنترل خشم احتیاج ندارند؟ پس چرا چنین بازه سنی برای برگزاری کارگاه‌های مهارت‌آموزی سازمان پیش‌بینی شده است؟ ضمن آنکه کسب مهارت‌های اجتماعی و استقلال فردی در زندگی روزمره نابینایان موارد مهم‌تری را نیز شامل می‌شود که اصلاً سازمان بهزیستی هیچ‌گونه برنامه‌ای برای آن ندارد.

در نمونه‌ای دیگر، معاون توسعه کارآفرینی و اشتغال وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در مورد اقدام سازمان بهزیستی برای تحقق اشتغال پایدار گفته است: سازمان بهزیستی با جذب ۱۰۰ درصدی منابع اشتغال‌زایی، بیش از هشتاد هزار فرصت شغلی را که بیش از ۶۰ درصد آن ویژه معلولان بوده ایجاد کرده است که این موضوع، تحول عظیمی را در سال ۱۴۰۱ برای اشتغال معلولان رقم زده است. اگر ۶۰ درصد فرصت‌های شغلی برای معلولان فراهم شده باشد، قاعدتاً سازمان بهزیستی در سال ۱۴۰۱ می‌بایست برای ۴۸ هزار نفر از معلولان، شغل پایدار ایجاد کرده باشد. این در حالی است که به گفته رئیس سازمان بهزیستی، در نیمه نخست سال گذشته ۱۰۰، ۱۷ وام خوداشتغالی به معلولان پرداخت شده است. چون سازمان بهزیستی تسهیلات خوداشتغالی را به‌مانند ایجاد شغل لحاظ می‌کند و با فرض بر اینکه قریب به ۳۵ هزار وام خوداشتغالی در سال ۱۴۰۱ به معلولان اعطا شده باشد، بیش از ۸۰ درصد شغل‌های ایجاد شده صرفاً تسهیلات ۱۵۰ میلیون تومانی خوداشتغالی است که مددجویان باید در هفت‌سال اقساط آن را نیز پرداخت کنند؛ بنابراین

هستند و فراموش کرده‌اند که انتظاراتشان از سازمانی که متولی امور معلولان محسوب می‌شود، بسیار بیش از اینها باید باشد، اما سازمان بهزیستی معلولان را آن‌چنان درگیر احقاق بدیهی‌ترین حقوقشان کرده است که دیگر کسی سایر نیازها و چالش‌های جدی پیش روی معلولان مانند ایجاد مراکز حرفه‌آموزی برای این قشر را مطالبه نمی‌کند. واقعیت آن است که بهزیستی با چارت سازمانی کنونی، از انجام بسیاری از وظایفی که در بالا تشریح شد در قبال معلولان و سایر اعضای جامعه هدف خود عاجز مانده است و در آستانه ورود این سازمان به چهل و چهارمین سال فعالیت، این امر بر همگان روشن شده است که بهزیستی نیازمند تحولی بنیادی است.

آمارهای ضد و نقیض بر زبان مدیران

بهزیستی

بهزیستی در حوزه معلولان کمتر دست به ارائه آمار و ارقام می‌زند، اما از همان آمارهای دست و پا شکسته‌ای که منتشر می‌شود، تضادهای جدی و موارد ضد و نقیضی بروز می‌کند که پرسش‌برانگیز است؛ برای مثال معاون مشاوره و امور روان‌شناختی مرکز توسعه پیشگیری سازمان بهزیستی کشور گفته است: در سال گذشته بالغ بر ۶۶ هزار نفر، مهارت‌های ارتباطی شامل مهارت‌های گفت‌وگو، گوش‌دادن و... و همچنین جرئت‌مندی و مدیریت خشم را در قالب ۲۰۰، ۶ جلسه آموزشی، توسط ۶۷۰ آموزشگر و از طریق بیش از صد مرکز تحت نظارت ادارات بهزیستی استان‌های سراسر کشور فراگرفته‌اند. این مقام مسئول در خصوص جامعه هدف این برنامه‌ها گفته است: عموم مردم و افراد از هفت تا چهل‌سالگی در قالب گروه‌های سنی کودک، نوجوان، جوان و بزرگ‌سال و زوجین می‌توانند با شرکت در دوره‌های کارگاهی مهارت‌های زندگی در مراکز مشاوره تحت نظارت سازمان بهزیستی، ایمنی روان‌شناختی خود را تقویت کنند. اینکه از میان میلیون‌ها نفر از اعضای تحت پوشش بهزیستی که به ادعای رئیس این سازمان هفت میلیون نفر را شامل می‌شود،

نسل‌مانا

نیک می‌دانند آن‌طور که شایسته اعضای جامعه هدف است، کاری از دستشان بر نمی‌آید و چیزی در چپته ندارند.

امیدواریم مدیران سازمان بهزیستی با تغییر رویکرد در شیوه تعامل خود با رسانه‌ها و مددجویان، خود را موظف به پاسخ‌گویی به آنها بدانند و در راستای شفاف‌سازی گام بردارند. پاسخ‌گو نبودن به افکار عمومی، حلقه مفقوده ارتباط بهزیستی با اعضای جامعه هدف در دوران مدیریت علی‌محمد قادری در این سازمان است؛ موضوعی که زیننده دولتی که ادعای مردمی بودن دارد و رئیسش که خود را «سید محرومان» می‌خواند نیست.

ضرورت تغییرات بنیادی در شیوه‌های اداره

بهزیستی

علی‌رغم ادعای ریاست سازمان بهزیستی که این سازمان را یک نهاد حرفه‌ای قلمداد می‌کند، بهزیستی فرسنگ‌ها با شیوه‌های به‌روز مدیریتی فاصله دارد. بیست‌هزار کارمندی که در این سازمان به کار مشغول هستند، با میانگین حقوق ماهانه ده میلیون تومان، سالانه تنها ۴۰۰،۲ میلیارد تومان از بودجه بهزیستی را می‌بلعند که معادل ۲۰ درصد بودجه کل سازمان در سال گذشته است. ضمن آنکه برآورد انجام‌شده، به‌غیر از پاداش و مزایای مرسوم کار در دستگاه‌های دولتی است، درحالی‌که بسیاری از امور با سامانه‌های الکترونیکی و در بستر اینترنت نیز قابل انجام و دریافت است، البته مشکل تنها فریگی بهزیستی در زمینه چارت نیروی انسانی نیست؛ مشکل انتخاب مدیرانی برای سازمان است که درایت کافی و قدرت اعمال نفوذ در دستگاه‌های حاکمیتی را ندارند. عملکرد ضعیف مدیران کنونی و در رأس آنها رئیس سازمان بهزیستی کشور باعث شده است جایگاه سازمان بهزیستی کشور در دولت، به پایین‌ترین سطح خود در سال‌های اخیر تنزل پیدا کند. قرارنگرفتن ۴۷ حکم ارسالی از سوی بهزیستی در لایحه

نزدیک به ۸۰ درصد از ۴۸ هزار شغل اعلام‌شده برای معلولان در سال گذشته، از اصل در زمره اشتغال پایدار محسوب نمی‌شود. ارائه آمارهای بی‌پایه و اساس در سایر حوزه‌های مرتبط با معلولان اعم از مسکن، پرداخت مستمری، فعالیت‌های ورزشی و... نیز بسیار فراوان است که بررسی تک‌تک آنان از حوصله این یادداشت خارج است.

قهر بهزیستی با افکار عمومی

یکی دیگر از مسائل قابل‌نقد بهزیستی عدم پاسخ‌گویی مدیران این سازمان نسبت به رسانه‌ها و به‌تبع آن مددجویان تحت پوشش است؛ در واقع بسیاری مدیران کل، معاونت‌ها و رئیس سازمان بهزیستی از مصاحبه با رسانه‌ها طفره می‌روند. تا زمان نگارش این یادداشت که بیستم تیرماه است، از آخرین نشست خبری علی‌محمد قادری، رئیس سازمان بهزیستی کشور، یک‌سال می‌گذرد. ماهنامه *نسل مانا* به‌عنوان تنها نشریه تخصصی حال حاضر آسیب‌دیدگان بینایی در کشور، از سال ۱۴۰۰ تاکنون سه مرتبه درخواست مصاحبه با ایشان داشته است که هر بار علی‌رغم ارسال پرسش‌ها، ایشان از انجام مصاحبه حضوری با نسل مانا سر باز زده است، حتی معاونت توان‌بخشی ایشان نیز در اسفندماه سال گذشته حاضر به مصاحبه رودررو با خبرنگار این ماهنامه نشد و به ارائه پاسخ‌های مکتوب به پرسش‌های ارسالی نسل مانا اکتفا کرد که حاکی از ناآگاهی ایشان به بدیهی‌ترین مسائل تخصصی حوزه توان‌بخشی بود. این بی‌مهری فقط شامل حال رسانه‌های مستقل نمی‌شود؛ به‌طوری‌که یکی از همکاران خبرنگار شاغل در نهادهای هم‌سو با دولت حاضر هم از پاسخ‌گو نبودن مدیران بهزیستی در خصوص مسائل مختلف حکایت می‌کند. این موضوع ناشی از سه عامل است؛ یا مدیران بهزیستی دغدغه پاسخ‌گویی به افکار عمومی را ندارند، یا نسبت به مسائل حوزه کاری خود اشراف کافی ندارند و برای نیفتادن در دام خبرنگاران از مصاحبه مستقیم با آنها طفره می‌روند یا اینکه مدیران سازمان بهزیستی خود

نسل‌مانا

گزارش عملکرد انجمن نایب‌نایان ایران
(تیر ۱۴۰۲)

منصور شادکام: قائم‌مقام انجمن نایب‌نایان
ایران



آنچه در پی می‌آید، خلاصه‌ای است از مجموعه فعالیت‌های انجمن نایب‌نایان ایران در طول تیر ۱۴۰۲. علاقه‌مندان همچنین می‌توانند نسخه صوتی این گزارش را با صدای مهندس منصور شادکام در صفحه مربوط به همین نوشته در وبگاه نسل مانا و در کانال‌ها و صفحات ما در شبکه‌های اجتماعی بشنوند.

در ابتدا به رسم همیشه، بعد از سلام به مخاطبان نسل مانا و اعضای انجمن نایب‌نایان ایران، لازم می‌دانم از حمایت حامیان این ماهنامه و همچنین تلاش اعضای هیئت تحریریه تشکر کنم که امکان تهیه و چاپ و توزیع این ماهنامه را فراهم می‌کنند. همچنین لازم می‌دانم اعیاد غدیر و قربان و سالروز ولادت امام هادی (علیه‌السلام) را هم به مخاطبان تبریک عرض کنم. امید است اخلاق، رفتار، منش، جوانمردی، نوع‌دوستی،

برنامه توسعه هفتم توسط دولت که به مجلس شورای اسلامی ارسال شده است، خود گویای این مدعا است.

نرخ بالای تورم و افزایش هزینه‌های خدمات مختلف، سازمان را در موقعیتی دشوار قرار داده است. این موضوع در مورد یارانه‌های مراکز غیردولتی و مراکز نگهداری، مستمری افراد تحت پوشش، هزینه‌های تجهیزات و وسایل کمک توان‌بخشی افراد دارای معلولیت، مسکن، اشتغال، کمک‌های موردی و درمانی و... آشکارا قابل مشاهده است و کار را به جایی رسانده که بهزیستی برای اولین بار در دو دهه اخیر، از پرداخت عیدی شب عید مددجویان خود نیز عاجز ماند. بدیهی است فقط با توسل به شعارهای خدایسندانه و ژست عدالت‌محوری که همواره در سخنان و سکنت ریاست سازمان بهزیستی کشور شنیده و دیده می‌شود، نمی‌توان به توسعه عدالت، رفع فقر و نیازهای مغفول‌مانده محرومان دست یافت. آمار روبه‌افزایش تعداد افراد نیازمند تحت پوشش خدمات بهزیستی را نمی‌توان دلیلی برای مباحثات به‌شمار آورد. مدیریتی کارآمد محسوب می‌شود که بتواند ماهانه و سالانه از کاهش تعداد افراد تحت پوشش نهادها و سازمان‌های حمایتی با توانمندسازی واقعی آنها آمار ارائه کند؛ رویکردی که متأسفانه در رأس برنامه‌ها، فعالیت‌های آتی سازمان بهزیستی و اسناد بالادستی به چشم نمی‌خورد و اگر دست‌اندرکاران امر طرحی نو نیندازند و شیوه‌های حکمرانی خود را اصلاح نکنند، روزبه‌روز این سازمان در باتلاق انبوه مشکلات گرفتارتر و دیر یا زود غرق خواهد شد.



نسل‌مانا

چنین رویدادهایی، ضمن ایجاد فضای شور و نشاط در میان نابینایان، فراهم کردن امکان دیدار افراد نابینا با مسئولان، هنرمندان و خیران است. هدف این است که این افراد، باهم، دور یک سفره بنشینند و تعامل مؤثری را برقرار کنند و با گفتگو با نابینایان از نیازهایشان آگاه شوند و بتوانند برای رفع این نیازها برنامه‌ریزی کنند. فرهنگ‌سازی، بخش دیگری از اهداف ما را در برگزاری این قبیل رویدادها تشکیل می‌دهد. ما قصد داریم با برگزاری رویدادهایی از این دست، به جامعه این آگاهی را بدهیم که نابینایان، علی‌رغم اینکه یکی از اعضای کلیدی بدنشان را از دست داده‌اند، زندگی را پایان یافته نمی‌دانند و با مهارت و توانایی، به زندگی ادامه می‌دهند.

دیگر فعالیت‌های انجمن در این ماه عبارت‌اند از:

- صعود به قله ساکا، در البرز مرکزی، در روز ۱۶ تیر و طبیعت‌گردی در دره زمان، در ۳۰ تیر.

- توزیع سبد کالا به ارزش تقریبی یک میلیون تومان، بین ۱۵۰ نفر از اعضای انجمن.

- برگزاری جلسه و ارائه نظرات مشورتی به مدیران و گردانندگان کاخ‌موزه نیاوران برای تهیه محتوای توصیفی مناسب برای مراجعان نابینا.

همچنین در طول تیرماه کشمکشی هم با سازمان آموزش و پرورش استثنایی داشتیم؛ با این موضوع که آنها از حضور و مشارکت در برگزاری جشنواره کاما انصراف داده بودند و زمانی که این خبر را به اطلاع عموم رساندیم، آنها مدعی شدند این انصراف صورت نگرفته و قرار است در قالب پشتیبانی‌های معنوی در کنار کاما باشند. ما این موضوع را با وزیر آموزش و پرورش در میان گذاشتیم و وزیر دستور فوری داد تا کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به نمایندگی از این وزارتخانه ما را در اجرای جشنواره یاری کند.

در پایان لازم می‌دانم از توجه شما به این گزارش تشکر و برای همگی توفیق روزافزون آرزو کنم.

دستگیری، ایثار و شهامت، از جمله درس‌هایی باشد که ما از آن بزرگواران می‌آموزیم. همچنین در آستانه واقعه عاشورا، شهادت امام حسین (علیه‌السلام) و یارانش را به عموم مخاطبان تسلیت عرض می‌کنم. ان‌شاءالله که از پیروان راستین آن حضرت باشیم.

مسائل مرتبط با مناسب‌سازی‌های محیطی از جمله دغدغه‌های همیشگی ما در انجمن نابینایان بوده است. ایستگاه‌های راه‌آهن بین‌شهری، از حوزه‌هایی است که نابینایان در استفاده از آن با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌شوند. با توجه به اینکه امکان استفاده از خدمات عمومی باید به‌طور برابر در اختیار همگان قرار گیرد، لازم است تمهیداتی اندیشیده شود تا نابینایان هم بتوانند به راحتی از این مکان‌ها استفاده کنند. انجمن به منظور رفع این نیاز فوری، جلسه‌هایی را با مسئولان راه‌آهن بین‌شهری ترتیب داد و قرار شد دوسه ایستگاه، به صورت آزمایشی، استانداردهای موردنظر ما را پیاده‌سازی کنند تا در صورت موفقیت‌آمیز بودن طرح، پنجاه ایستگاه اصلی در سطح کشور به این امکانات مجهز شوند. امید است بتوانیم این مهم را به انجام برسانیم تا مسافران نابینا بتوانند مستقل و با حفظ کرامت انسانی خود، از ایستگاه‌های راه‌آهن استفاده کنند.



برگزاری مراسم جشن به مناسبت عید سعید غدیر، از دیگر فعالیت‌هایی بود که انجمن در طول ماه گذشته آن را برنامه‌ریزی و در روز ۱۷ تیر اجرا کرد. در این دوره‌می، ۱۲۰ نفر از اعضای نابینای انجمن به همراه مسئولان، هنرمندان و خیران حضور داشتند. هدف از برگزاری

ما مطلعیم. باخبر هم نباشیم، به سادگی می‌توان سناریو را حدس زد؛ یک دیدار نمایشی با مسئولان آموزش و پرورش شهرستان ترتیب داده می‌شود و در آن دیدار به طور کاملاً اتفاقی وزیر مربوط روی خط می‌آید و بساط دلجویی و قول پیگیری مقابل دوربین چیده می‌شود تا نشان داده شود که ما چقدر انسان‌های رؤوف و رواداری هستیم. تفاوت تبعیض‌های ما و آنها هم دقیق از همین نوع رفتار و شیوه پاسخ‌گویی ناشی می‌شود. حکایتی که از قضا نمونه‌اش را در آخرین شماره از بریل مانیتور^۱ مشاهده کردیم.

قصه به سال ۲۰۱۷ برمی‌گردد؛ جایی که یک دختر و پسر نابینا در یکی از کالج‌های منطقه‌ای لس‌آنجلس مشغول تحصیل هستند. در کلاس ریاضی آنها لازم است از نرم‌افزارهای خاصی استفاده کنند که هیچ‌کدام برای صفحه‌خوان‌ها مناسب‌سازی نشده‌اند. همین موضوع هم برخورد ناشایست معلم ریاضی را نسبت به دو دانش‌آموز نابینا به دنبال دارد. او از آنها می‌خواهد که از شرکت در آن کلاس صرف‌نظر کنند. همین موضوع دست‌مایه‌ای برای طرح شکایت از سوی این دانش‌آموزان نابینا می‌شود؛ شکایتی مبنی بر اینکه کالج مذکور، امکانات لازم برای تحصیل دانش‌آموزان نابینا را فراهم نمی‌کند و در حق آنها تبعیض قایل می‌شود.

در این پرونده فدراسیون ملی نابینایان آمریکا به خوبی نقش خود را ایفا کرد و با حمایت از این دو دانش‌آموز نابینا و کمک‌گرفتن از وکلای خبره، توانست در دادگاه اولیه که در سال ۲۰۱۹ برگزار شد، از قاضی علیه کالج منطقه‌ای رأی بگیرد، اما آنها زیر بار حکم قاضی نرفتند و کار را به دادگاه تجدیدنظر کشاندند. آمد و شده‌های نابینایان و مدیران کالج به جلسه‌های دادگاه دو سالی ادامه پیدا کرد و در این میان هم فدراسیون از نفوذ و محبوبیتش در میان نابینایان استفاده کرد و کارزارهایی را در حمایت از این دو نابینا به راه انداخت؛ تا اینکه بالاخره همین دو ماه پیش، ماجرا ختم به خیر شد و کالج

پیشخوان: مروری بر نشریات و

پادکست‌های انگلیسی‌زبان ویژه افراد

با آسیب بینایی

امید هاشمی: سردبیر

این ماه ابتدا ماجرای اخراج دختر نابینای اهل فلورجان از جلسه امتحان را مرور و یک اتفاق مشابه در آمریکا را بررسی خواهیم کرد. سپس درباره زندگی در خانه سالمندان و تجربه یک نابینا از حضور در این مراکز خواهیم خواند و در آخر هم با یک نابینای جودوکار و برنامه‌نویس آشنا خواهیم شد.

تبعیض علیه نابینایان از لس‌آنجلس تا

فلورجان

فرقی ندارد ساکن لس‌آنجلس باشی یا فلورجان اصفهان؛ نابینا که باشی، زندگی انواع تبعیض‌ها را نشانت خواهد داد، اما آنچه اهمیت دارد، چگونگی برخورد جامعه با تبعیض‌ها علیه اقلیت‌هایی مثل افراد دارای معلولیت است.



همین چند روز پیش بود که یک دوربین، یکی از همین تبعیض‌های هر روزه را شکار و در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرده بود؛ ویدیویی که در آن دختری از فلورجان اصفهان، به خاطر اینکه در امتحان ورودی مدرسه نمونه دولتی از داشتن منشی محروم و از جلسه امتحان اخراج شده بود، زارزار اشک می‌ریخت. از تبعات این ویدئو همه

^۱ Braille Monitor

این قبیل مراکز، حتی از مراجع رسمی هم شنیده و دیده می‌شود. کم ندیده‌ایم سریال‌هایی را که برای تخریب وجهه خانه‌های سالمندان تولید می‌شوند، اما کسی به این نکته اشاره نمی‌کند که به‌طور کلی اشکالی به خود ایده یا پدیده خانه سالمندان مترتب نیست. اشکال نقل‌شده، در واقع به شیوه اداره این قبیل مراکز برمی‌گردد. به‌یقین واکاوی این موضوع، مستلزم بحث و گفتگویی دامنه‌دار و مفصل است، اما اینکه در این شماره از پیشخوان مطرح شد، به خاطر انتشار یکی از آخرین شماره‌های پادکست هدلی^۲ است که تجربه یک نابینای سن و سال دار را از زندگی در خانه سالمندان بازگو می‌کند. در این گفتگو که با حضور خانم کریس میگر^۳ انجام شده، با شیوه تازه‌ای از برنامه‌ریزی برای زندگی در دوران پیری آشنا می‌شویم.

یکی از ایرادهایی که به زندگی در خانه‌های سالمندان گرفته می‌شود این است که افراد، بعد از سال‌ها زندگی مستقل، امکان داشتن یک زندگی مستقل و حریم شخصی و استقلال فردی را از دست می‌دهند و باید دائم تحت کنترل مراکز نگهداری روزگار بگذرانند، اما مرکزی که کریس در آن زندگی می‌کند، حکایتی متفاوت دارد. «جامعه‌ای با زندگی مستقل» نامی است که برای این مراکز زنجیره‌ای در آمریکا در نظر گرفته شده است. در این مراکز، هرکدام از افراد، یک آپارتمان یا بهتر بگوییم سوئیت کوچک شامل یک اتاق، آشپزخانه و سرویس بهداشتی در اختیار دارند و می‌توانند زندگی مستقل خود را داشته باشند، اما تفاوت این سبک از زندگی با شرایط قبل در این است که این مرکز از اصل برای افراد مسن طراحی شده است. محیط شهرک کاملاً برای حرکت با عصا یا صندلی چرخ‌دار مناسب‌سازی شده است و حتی مکان‌یابی شهرک هم به‌گونه‌ای انجام شده که از نظر آب و هوا، ساکنانش بهترین کیفیت را تجربه کنند. همچنین تأکید بر اصطلاح جامعه در عنوان این

قصور خودش را پذیرفت و دادگاه هم گردانندگان کالج را به پرداخت ۲۴۰ هزار دلار جریمه محکوم کرد.



به‌زعم مارک ریکوبونو^۱، رئیس فدراسیون ملی نابینایان آمریکا، اقداماتی از این دست می‌تواند مراکز خدمات‌رسان عمومی را نسبت به رعایت حقوق افراد دارای معلولیت حساس‌تر کند. او همچنین در شماره ماه ژوئیه بریل مانیتور اعلام کرده فدراسیون حاضر است به هر یک از مراکز آموزشی که خواستار دسترس‌پذیر کردن محتوای آموزشی خود است، کمک کند تا بتواند به‌درستی این کار را صورت دهد. افزون بر این، این فدراسیون، به‌طور جدی در کنار نابینایانی قرار خواهد گرفت که قصد دارند تبعیضاتی از این دست را به شکل قانونی پیگیری کنند. تفاوت میان تبعات تبعیض‌هایی از این دست در فلورجان و لوس‌آنجلس، موضوع گفتگوی ما در نسخه صوتی پیشخوان خواهد بود. کسانی که بخواهند جزئیات بیشتری از پرونده نابینایان لس‌آنجلسی بدانند هم می‌توانند با ما در نسخه صوتی پیشخوان همراه باشند.

نابینایی و کلیشه‌ای به نام خانه سالمندان

حتماً شما هم قصه‌های فراوانی شنیده‌اید از نفرین والدینی که فرزندان‌شان آنها را برای نگهداری در سنین کهن‌سالی به خانه‌های سالمندان می‌سپارند. تبلیغات ضد

^۲ Kris Meagher

^۱ Mark Riccobono

^۲ Hadley

کرده و حالا هم به‌عنوان متخصص حوزه دسترسی‌پذیری، تنها برنامه‌نویس نابینایی است که با کمپانی توییتر همکاری می‌کند. مرور چالش‌های کار در کمپانی بزرگی نظیر توییتر برای یک نابینا، مطمئناً برای سایر نابینایان نکات جالب‌توجهی را به همراه خواهد داشت. برت این ماه مهمان پادکست *اف‌اس‌کست*^۳ بود و به‌تفصیل درباره زندگی ورزشی و کاری خود توضیح داده است. او هم‌اکنون علاوه بر کار در توییتر، به‌عنوان مربی جودو نابینایان هم فعالیت می‌کند و تجربیاتش در این ورزش را در اختیار کودکان نابینای ساکن واشنگتن می‌گذارد. او در این گفتگو، جزئیاتی درباره جودوی نابینایان با ما به اشتراک می‌گذارد. همچنین راجع به چگونگی درس خواندن و فراگیری کدنویسی در شرایطی که هیچ امکاناتی برای نابینایان در این زمینه وجود نداشته است، توضیحاتی را ارائه می‌کند.

او علاوه بر همه مشاغلی که داشته، دوره نسبتاً طولانی را هم به‌عنوان متخصص در حوزه آمار، با نهادهای نظامی آمریکا همکاری کرده و به امنیتی‌ترین لایه‌های ارتش این کشور دسترسی داشته است که خود ماجرای شنیدنی و هیجان‌انگیز دارد. جزئیات قصه زندگی برت، بماند برای نسخه صوتی پیشخوان. علاوه بر همه مواردی که به نسخه صوتی ارجاع داده شد، این ماه در نسخه صوتی با یک تعمیرکار نابینای پیانو اهل کشور آفریقای جنوبی هم آشنا خواهیم شد و چند و چون ورود نابینایان به این شغل پول‌ساز را از زبان او بررسی خواهیم کرد.

شما می‌توانید با مراجعه به وبگاه نسل‌مانا، نسخه صوتی پیشخوان را ذیل همین نوشته پیدا کنید. این فایل صوتی همچنین از طریق کانال‌های ما در شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها هم در دسترس خواهد بود.

شهرک به معنای این است که افراد هم‌زمان با حفظ استقلال فردی، می‌توانند زندگی اجتماعی را هم تجربه کنند؛ به‌عنوان مثال هرکس توانایی آشپزی نداشته باشد یا اصلاً به هر دلیل نخواهد این کار را انجام دهد، می‌تواند از رستوران شهرک که بهترین سرآشپزها آن را اداره می‌کنند، برای تهیه غذا استفاده کند. افراد می‌توانند در سالن غذاخوری گرد هم بنشینند و ضمن خوردن غذا، از معاشرت با یکدیگر هم بهره‌مند شوند.

تدارک برنامه‌های ورزشی، از دیگر امکاناتی است که در این شهرک در نظر گرفته شده است. مربی‌های کاربلد، این نیاز را برای ساکنان شهرک برطرف می‌کنند. همچنین امکانات حمل و نقل عمومی فراهم شده تا هر زمان که لازم شد، افراد بتوانند به مرکز شهر دسترسی داشته باشند. امکانات رفاهی نظیر فروشگاه، سینما و... هم در نظر گرفته شده تا چنانچه کسی بخواهد زندگی مستقل‌تری داشته باشد، بتواند نیازهایش را تأمین کند. افراد در این شهرک زندگی دوباره‌ای را آغاز می‌کنند، دوستان تازه پیدا می‌کنند و حتی با برنامه‌ریزی گرداندگان شهرک، به مسافرت‌های داخلی و خارجی می‌روند و از دوران باننشستگی‌شان نهایت لذت را می‌برند. کریس یکی از معدود نابینایانی است که در این شهرک زندگی می‌کند. او از وضعیت مناسب‌سازی‌ها در این شهرک برای حضور نابینایان می‌گوید و درباره چگونگی برخورد با او به‌عنوان یک نابینا توضیح می‌دهد. در نسخه صوتی پیشخوان، تجربیات کریس را یک‌به‌یک مرور خواهیم کرد.

قهرمان در جودو و استاد در کدنویسی

برت لوئیس^۱ دو دوره در پارالمپیک برای تیم ملی آمریکا به روی تاتمی رفته و مدال نقره گرفته است. او همچنین در دانشگاه استنفورد در رشته ریاضیات تحصیل و مدرک کارشناسی ارشد را دریافت کرده است. برت چند سالی را به‌عنوان برنامه‌نویس با فریدم ساینتیفیک^۲ همکاری

^۳ FSCast

^۱ Brett Lewis

^۲ Freedom Scientific

نسل‌مانا

شما در خصوص رد عامدانه داوطلبان نایب‌نای پذیرفته شده در آزمون استخدامی آموزش و پرورش چیست" بی‌پاسخ گذاشت.

رئیس بهزیستی کشور بدون اینکه به سوالات خبرنگار خبرآنلاین پاسخ دهد، وی را متهم به درج اخبار نادرست کرد و گفت: بابت درج اخبار اشتباه باید در برزخ پاسخگو باشی.

علی‌محمد قادری با بیان اینکه ایجاد حال خوب یک فریضه است، تأکید کرد: من از نوع سوالات و اخبار شما مطلع شدم مسیر شما یک مسیر شخصی است و اگر شما در رسانه حال بیش از یک میلیون نفر را تحت خطر قرار دهی باید در برزخ جواب بدهی.

به قانون معلولان تسلط دارم

وی با بیان این مطلب که قانون حمایت از معلولان ۳۴ ماده و ۲۹ تبصره دارد، افزود: این نکته نشان می‌دهد من در این حد به قانون تسلط دارم اما بعید می‌دانم شما چنین تسلطی به آن داشته باشید.

مفتشی یا وکیل؟

قادری در پاسخ به خبرنگار روزنامه اعتماد که بیان کرد "دلیل حضور خانواده‌های پذیرش‌کننده کودکان نیازمند درمان در این جلسه را نمی‌دانم چون عمر فرزند خواندگی در ایران طولانی است و تازگی ندارد و سالهاست خانواده‌ها حتی فرزندان مبتلا به اچ‌آی‌وی را پذیرش می‌کنند"، گفت: شما اجازه ندارید در مورد قانع شدن یا نشدن همکارانتان مطلبی بگویید. مگر شما مفتش هستید یا از دیگران وکالت گرفته‌اید؟ شما فقط اجازه دارید سوال رسانه خود را بپرسید.

وی خطاب به خبرنگار، گفت: سابقه فرزندخواندگی به پذیرش کودکان سالم برمی‌گردد. سالها کسی بچه‌های بیمار، دارای نقص و معلولیت را پذیرفته چرا که مگر کسی می‌تواند کودک بیماری را در کنار خود نگهداری

حواله به برزخ، تحفه میزبان به میهمانان قادری خطاب به خبرنگاران:

مفتشی یا وکیل؟

رؤیا بابایی: خبرنگار حوزه افراد دارای معلولیت

رئیس سازمان بهزیستی کشور در نشست خبری مربوط به هفته بهزیستی و سالروز تاسیس سازمان بهزیستی، خبرنگاران منتقد را مورد پرخاش قرار داد و گفت: باید در برزخ جوابگو باشید.

به گزارش نسل مانا؛ علی‌محمد قادری در این نشست که با حضور جمعی از خبرنگاران رسانه‌های مختلف برگزار شده بود در واکنش به سوالات انتقادی برخی از آنها برآشفتم و با گرفتن گارد دفاعی در مقابل آنها موضع گرفت



حواله به برزخ

قادری سه سوال خبرنگار خبرآنلاین را مبنی بر اینکه "دبیرخانه نظارت بر قانون زیر نظر حوزه توانبخشی است درحالی‌که مجری بخش اعظم قانون هم همین حوزه است اما آیا این تداخل اشکال حقوقی و ماهوی ندارد؟ چرا در حدود دو سال حضور شما در بهزیستی گزارشی از اجرای قانون حمایت از معلولان منتشر نشده و موضع

از مجلس پرسید

رئیس سازمان بهزیستی کشور ادامه داد: نام مستمری "کمک هزینه" است و قرار نیست این عدد در نگاه قانونگذار تأمین کننده کل هزینه معیشتی باشد. قادری به این خبرنگار که پرسید "نظر تخصصی شما در این خصوص چیست، پاسخ داد: آنچه قانونگذار از طبقه‌بندی یارانه‌ها در اختیار سازمان‌های حمایتی قرار می‌دهد منطبق با مصوبه مجلس است. بنابراین از مجلس پرسید آیا این عدد جوابگوی اداره یک زندگی است یا نه.

چیزی پرسید که با افتخار اعلام کنم

قادری در ادامه عنوان کرد: به نظر من خبرنگار باید این سوال را بپرسد که آیا مستمری‌ها به موقع پرداخت می‌شود تا من با افتخار اعلام کنم ما چند روز قبل از اتمام هر ماه مستمری را پرداخت می‌کنیم.

قادری در ابتدای نشست شعار هفته بهزیستی را «برای مردم برای به زیستن» اعلام کرده بود اما در خلال جلسه از عهده پاسخگویی به سوالات خبرنگاران به عنوان نمایندگان مردم برنیامد و با رفتن در موضع پرخاش، با خبرنگاران به تندی و بی‌احترامی برخورد کرد.



کند. آیا شما نگهداری می‌کنید؟ وقتی اطلاع ندارید چرا این نکات را مطرح می‌کنید؟

عددسازی‌های بهزیستی

خبرنگار اعتماد خطاب به قادری گفت: در تیر سال گذشته اعلام کردید "پشت نوبتی‌های مستمری بهزیستی به صفر رسیده اما در اردیبهشت امسال به فارس گفته‌اید تا آبان ۱۴۰۱، یکصد و ۲۸ هزار و هفتصد نفر پشت نوبت مستمری بوده‌اند که تا پایان پارسال این تعداد به ۱۶۰ هزار نفر رسیده و این نشان می‌دهد که پشت‌نوبتی‌های مستمری در سال قبل نیز به صفر نرسیده بود."

این خبرنگار با بیان اینکه این در حالیست که اردیبهشت امسال سخنگوی دولت اعلام کرد "برای اولین بار در طول تاریخ تعداد پشت نوبتی‌های بهزیستی به صفر رسیده"، از قادری پرسید: بالاخره کدام‌یک از خبرها را باور کنیم؟

او در ادامه تأکید کرد: آقای قادری شما در پاسخ به آمار تعداد کودکان معلول و بیمار آماده واگذاری به متقاضیان، گفتید "بر اساس ملاحظات سازمان آمار نمی‌دهم" درحالیکه علت این است که با اعلام آمار مشخص می‌شود در دو سال گذشته با محدودیت غربالگری دوران بارداری چه تعداد به کودکان معلول و بیمار اضافه شده است.

توجیه مستمری را از مجموعه اقتصادی

کشور پرسید

قادری در پاسخ به سوال خبرنگار همشهریکه پرسید: مستمری ۶۵۵ هزار تومانی مددجویان در مقایسه با خط فقر ۱۵ میلیون تومانی چطور توجیه می‌شود، پاسخ داد: سوال شما مرتبط با حوزه اقتصاد است و روی میز اقتصاد باید پرسش شود، بنابراین آن را باید مجموعه اقتصادی کشور و معاون اقتصادی رفاهی وزارت رفاه جواب دهند.

کلیک کردیم و در همین لحظه بود که خشم جای شرمساری را گرفت، چون متأسفانه با صفحه‌ای مواجه شدیم که تنها عنوانی را در خود جای داده و زیر عنوان اصلی صفحه هم دوباره عنوان «خبر» در هیبت یک لینک سرخ‌رنگ آورده شده است.

حس بزنید کلیک روی لینک چه نتیجه‌ای در پی دارد؟ همان عنوان با صدای یک موتور صوتی خوانده می‌شود و فقط کافی است صفحه‌خوانتان را غیرفعال کنید و از شنیدن این صدای زیبا نهایت لذت را ببرید. در نهایت متأسفانه صفحه مربوط به دو دفتر توان‌بخشی روزانه و توان‌پزشکی و امور توانمندسازی معلولان خالی است و تنها صفحه مربوط به مراکز توان‌بخشی مراقبتی، اطلاعات اندکی را در اختیار مخاطب قرار می‌دهد. خب! این هم حاصل گشت و گذار ما در وبگاه سازمان بهزیستی کشور! البته از میزان مراعات استانداردهای دسترس‌پذیری این وبگاه سخنی به میان نمی‌آوریم و باز برمی‌گردیم و این بار خالی از احساس شرمساری، در هفته بهزیستی، به نقد چندین باره این سازمان می‌پردازیم. امید که صبح یکی از جمعه‌ها، مسئولان از کاستی‌های سازمان بهزیستی باخبر شوند.



تصور کنید کودکی با آسیب بینایی متولد می‌شود. پدر و مادر این کودک در ابتدا دچار شوک و ناباوری خواهند بود و به عبارتی با فرایندی مشابه سوگ مواجه خواهند بود و برای از سر گذراندن این بحران، نیاز به حمایت و همراهی دارند. به نظر می‌رسد بهزیستی می‌بایست برای رفع این مشکل چاره‌ای بیندیشد و مراجعی را برای

وبسایت‌های خالی و مراکز نیمه تعطیل،

دستاورد سازمان بهزیستی

زهرا همت: روان‌شناس و آموزگار آموزش و پرورش استثنایی شهر تهران

تصمیم داشتیم به مناسبت هفته بزرگداشت بهزیستی، یادداشت آموزش و توان‌بخشی این شماره از ماهنامه نسل مانا را به معرفی خدمات توان‌بخشی سازمان بهزیستی اختصاص دهیم. بهزیستی نام براننده‌ای است که ای کاش روزی برسد که فعالیت‌هایش به زیبایی نامش باشد!

سال‌های بسیاری از شکل‌گیری سازمان بهزیستی می‌گذرد؛ سازمانی که یکی از متولیان ارائه خدمات به افراد دارای معلولیت به‌شمار می‌رود و البته با گذشت این زمان طولانی از تأسیس این سازمان، هنوز اطلاع صحیح و کاملی از شرح وظایف و مسئولیت‌های آن نداریم. ساده و خودمانی بگوییم که انگار اطلاع از خدمات سازمان بهزیستی هنوز مثل گذشته‌های خیلی دور، به‌صورت شفاهی و سینه‌به‌سینه امکان‌پذیر است. برای آزمون این فرض، سری به وبگاه اطلاع‌رسانی سازمان بهزیستی کشور به نشانی www.behzisti.ir زدیم و به جستجوی شرح وظایف و مسئولیت‌های معاونت توان‌بخشی سازمان بهزیستی پرداختیم. در کمال ناباوری با پیوندی با عنوان «شرح وظایف» مواجه شدیم و در دل، از این‌همه انتقادی که به سازمان بهزیستی می‌شود، شرمسار شدیم. در این صفحه برای معاونت توان‌بخشی سازمان، سه زیرشاخه با عناوین دفتر امور توان‌بخشی روزانه و توان‌پزشکی، دفتر امور توانمندسازی معلولان و دفتر امور مراکز توان‌بخشی و مراقبتی ذکر و در بخش بعدی هم پیوندی با عنوان شرح وظایف و مأموریت‌های هر کدام از این سه دفتر، قرار داده شده است. در این اندیشه فرورفتم که ای کاش قبل از قضاوت کردن، کمی تحقیق کنیم! سپس مشتاقانه برای آشنایی دقیق‌تر با این دفترها روی لینک مربوط

ندارد؟ چند وقت است که هیچ همایشی با موضوع توان‌بخشی برگزار نشده؟ چند وقت است که به کف هرم چسبیده‌ایم و توان فاصله گرفتن از تأمین نیازهای اولیه؛ آن‌هم فقط یک هوای ناپاک برای نفس کشیدن و یک وعده غذای نصفه و نیمه را نداریم؟



در مطلبی دیگری از پایگاه اطلاع‌رسانی سازمان بهزیستی خبر از توانمند شدن پنج‌هزار نفر از افراد دارای معلولیت در سال گذشته داده شده است و این نوید که این رقم در سال جاری به یازده‌هزار نفر می‌رسد! متأسفانه موفق نشدیم اطلاعات دقیقی از جزئیات طرح اجرا شده یا دست‌کم یکی از افراد حاضر در طرح کسب کنیم، اما نیک می‌دانیم که افراد با آسیب بینایی پس از تحصیل و برای ورود به دنیای اشتغال، مانند هر فرد دیگری نیازمند حرفه‌آموزی و مهارت‌آموزی هستند، ولی به دلیل عدم اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی صحیح، اغلب نمی‌توانند این مهارت‌ها را در مؤسسه‌های عمومی کسب کنند و سازمان بهزیستی هم مطابق معمول، هیچ تمهیدی در این زمینه نیندیشیده و تنها به بخشی با عنوان «سامانه اشتغال» در وبگاه خود بسنده کرده است.

صحبت از اشتغال، ذهن را به سمت قانون استخدام ۳ درصد افراد دارای معلولیت می‌برد. در ماه گذشته، مرحله مصاحبه آزمون جذب آموزگار را گذراندیم و مطابق معمول، افراد با آسیب بینایی بازهم شاهد بی‌مهری سازمان بهزیستی بودند، البته آن‌طور که هر روز می‌بینیم؛ نه تنها قانون ۳ درصد استخدام افراد دارای معلولیت، بلکه قانون جامع حمایت از حقوق افراد دارای

آموزش والدین و حمایت و همراهی آنها در نظر بگیرد، اما متأسفانه در حال حاضر چنین مرکزی یا وجود ندارد یا به دلیل عدم اطلاع‌رسانی، کسی از وجود آن اطلاعی ندارد و در نهایت با بهانه نبود مراجعه‌کننده تعطیل می‌شود و نتیجه هم چیزی نخواهد بود جز سردرگمی والدین کودکان با آسیب بینایی که یا هیچ اطلاعی از چگونگی آموزش و توان‌بخشی کودک آسیب‌دیده بینایی ندارند یا اطلاعات را از منابع نامعتبر دریافت می‌کنند و در آموزش کودکان دچار اشتباه و کج‌روی می‌شوند و با هدررفت زمان طلایی آموزش، کودکان بدون کسب مهارت‌های موردنیاز، رشد می‌کنند و در آینده با مشکلات فراوانی مواجه می‌شوند. در ضمن بحران روانی حل‌نشده والدین را از یاد نبرید! بنابراین آیا وجود مراکز به‌منظور توان‌بخشی کودکان و آموزش صحیح والدین از وظایف سازمان بهزیستی نیست؟ ولی متأسفانه هر روز شاهد تعطیلی مراکز قدیمی موجود هستیم، البته داستان‌هایی که از نابینایان کهن‌سال می‌شنویم و مراکز توان‌بخشی پرشور و پرفایده‌ای را از گذشته‌های دور برایمان وصف می‌کنند؛ همچون افسانه‌هایی می‌ماند که دل‌مان را از این همه حرکت رو به عقب، بیش‌ازپیش به درد می‌آورد.

در بخش اخبار پایگاه اطلاع‌رسانی سازمان بهزیستی، خبرهای توزیع تعدادی سبد کمک‌معیشتی در بین مددجویان بهزیستی زیاد به چشم می‌خورد. آیا نیازهای یک فرد دارای معلولیت در عصر حاضر در خوراک خلاصه می‌شود؟ یعنی این قدر به عقب بازگشته‌ایم که به کف هرم نیازها رسیده‌ایم؟ تأمین خوراک؟!

حال که هیچ مرجع اطلاع‌رسانی فعال و قابل‌اطمینانی وجود ندارد، بیایید خودمان باهم مرور کنیم! چند وقت است که هیچ خبری از افتتاح یک مرکز توان‌بخشی جدید نشنیده‌ایم؟ چند وقت است که خبری از برگزاری دوره‌های آموزشی مربیان توان‌بخشی نخوانده‌ایم؟ چند وقت است که سازمان بهزیستی هیچ تعاملی با مراکز دانشگاهی برای آموزش مددکاران و مربیان متخصص

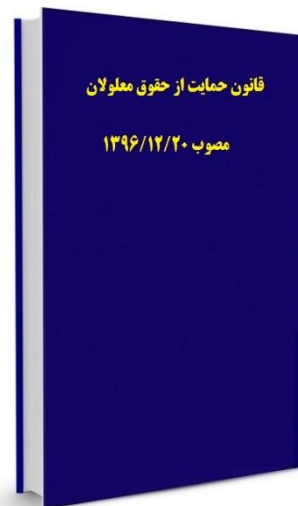
سه روز در یک روز فاطمه جوادیان: کارشناس نابینایان آموزش و پرورش استثنایی گیلان

نیما بعد از من و سارا و نسیم با چمدان من وارد خانه می‌شود. در راهروی خانه ایستاده‌ام؛ خانه‌ای حدوداً هفتاد متری در مکانی نزدیک به مال‌تپه، در منطقه آسیایی استانبول. سمت چپ راهرو، اتاقی کوچک، آشپزخانه‌ای بسته و اتاق پذیرایی قرار دارد. سمت راست، روبه‌روی فضای بین آشپزخانه و اتاق پذیرایی، سرویس حمام و دست‌شویی است. اگر راهرو را مستقیم ادامه بدهی، به اتاق خواب می‌رسی .

نیما برایم توضیح می‌دهد که در ترکیه معمولاً توالت‌ها چگونه هستند. توضیح او بسیار مفید است. در ترکیه بیشتر با توالت‌فرنگی مواجه هستیم. دست راستمان را که به عقب ببریم، جایی نزدیک توالت یک شیر روی دیوار نصب شده است. شیر را که باز کنیم، از عقب و داخل توالت آب به بدن ما برخورد می‌کند، البته فقط آب سرد، حتی در زمستان. در ابتدا این وضعیت برای ما ناآشنا و کمی هم سخت است، اما به‌مرور یاد می‌گیریم که چطور با کم و زیاد کردن فشار آب و همین‌طور کمی جابه‌جایی روی توالت وضعیت پاشیدن آب را تغییر دهیم، البته این را هم اضافه کنم که بعضی ایرانی‌ها در مسیر همان لوله، شیر دیگری هم نصب کرده‌اند که شلنگ دست‌شویی به شیر دوم نصب شده است. خانه نسیم و همچنین چند فضای ایرانی دیگر که در ادامه از آنها هم خواهم نوشت، این شلنگ را دارند که وضعیت را کمی عادی‌تر می‌کند. حمام هم معمولاً در فضای دست‌شویی قرار دارد؛ در یک کابین که در آن به‌صورت کشویی باز و بسته می‌شود .

نیما در طول مسیر یک‌ساعته بین فرودگاه استانبول تا خانه برایمان از جذابیت‌های شهر صحبت کرد. از تاریخچه استانبول، وضعیت جغرافیایی شهر، وضعیت حمل و نقل، دریاچه‌ها، پل‌ها و تنگه زیبای بسفر. او

معلولیت، اغلب از جانب نهادها و سازمان‌های گوناگون نادیده گرفته می‌شود و گناه این کم‌کاری و عدم پیگیری را به‌جز سازمان بهزیستی نمی‌توانیم بر گردن هیچ فرد یا گروهی بیندازیم.



سخن بسیار است و مجال اندک و متأسفانه فضای محدود این نوشته، اجازه بررسی تمام نیازهای برآورده نشده توان‌بخشی افراد با آسیب بینایی را نمی‌دهد. به نظر می‌رسد که مسئولین محترم حوزه توان‌بخشی سازمان بهزیستی، تصور صحیحی از توان‌بخشی افراد با آسیب بینایی ندارند و شاید دلیل خالی بودن صفحه شرح وظایف و مأموریت‌های دفتر توانمندسازی معلولان هم همین ذهن خالی باشد. کاش هرکسی در هر جایی مسئولیتی را بر عهده می‌گیرد، لااقل تلاش کند حوزه مسئولیت و نیازها و انتظارات جامعه‌ای را که قرار است با آن در ارتباط باشد بشناسد! ای کاش به‌جای یکی‌یکی تعطیل کردن مراکز توان‌بخشی یا به قول خودشان خصوصی‌سازی و کوچک‌سازی و... با راه‌اندازی مراکز تخصصی و تربیت نیروی متخصص، گامی مؤثر در مسیر توانمندسازی افراد دارای معلولیت، به‌ویژه افراد با آسیب بینایی و ساختن زندگی بهتر برای این قشر از جامعه بردارند.

صبح روز بعد صبحانه می‌خوریم و راهی شهر می‌شویم. این بار هم نیما چمدانم را در صندوق ماشین جای می‌دهد تا به خانه سارا برسد. در ساحل دریاچه‌ای توقف می‌کنیم. بهمن‌ماه است و هوا بسیار سرد. سارا نگران است که برف بیاید. در طول سفر برف هم می‌آید، زلزله هم .



یک اسکوتر به پایه فلزی قفل شده است. آن را لمس می‌کنم. گویا باید هزینه‌ای پرداخت شود تا آن را باز کنند و برای مدتی معین آن را در اختیار فرد متقاضی بگذارند؛ تنها وسیله‌ای است که در طول سفر، علی‌رغم اشتیاقم پیش نمی‌آید که سوار شوم. همین بس که هنگام عبور از عرض خیابان ریل‌هایش را با کف پایم لمس می‌کنم! هم‌سطح با زمین است.

از خیابان اعیان‌نشین بغداد می‌گذریم. در محله «کاراکوی» می‌مانیم. از خیابان، ترانوا عبور می‌کند. نیما یک پاکت قهوه تازه می‌خرد. عطر دلپذیری دارد .

به ایستتینه‌پارک می‌رویم؛ یکی از مجتمع‌های بزرگ تجاری در بخش اروپایی استانبول که برندهای مشهور جهان در زمینه عطر و لباس و... در آن نمایندگی دارند. در مسیر آسیا به اروپا با ماشین از تونل زیرزمینی سفر می‌گذریم؛ تونلی که پنج کیلومتر طول دارد. یک و نیم کیلومتر با شیبی ملایم به زیرزمین می‌رویم. بعد دو کیلومتر زیر تنگه پیش می‌رویم، درحالی‌که می‌دانیم کشتی‌ها، بالای سرمان، روی تنگه و بالای سر کشتی‌ها، مترو و سایر وسایل نقلیه روی پل معلق سفر در حال حرکت هستند. سپس شیب ملایم یک و نیم کیلومتری را می‌گذرانیم که ما را به سطح زمین می‌رساند. بعضی‌ها فشار زیرزمین را احساس می‌کنند، اما من متوجه این فشار نمی‌شوم .

در ایستتینه‌پارک به فروشگاه‌های مختلف سر می‌زنیم. در یکی از رستوران‌هایش آداناکباب می‌خوریم.

گفت که فردا ما را از تونل زیرزمینی تنگه بسفر عبور خواهد داد که بسیار شگفت‌انگیز است. آنها در طول راه تلاش کردند تا من چراغ‌ها و نورهای اطراف را ببینم، اما انگار دیگر میسر نیست. این بود که شیشه پنجره را پایین آوردم تا از هوای دلپذیر شهر لذت ببرم .

شب آنها گوشی مرا به وای‌فای خانه وصل می‌کنند و من بدون هیچ محدودیت حکومتی وارد برنامه‌های یوتیوب، اینستاگرام، واتس‌آپ و تلگرام می‌شوم. قسمت ترانزیت برنامه مپ را تجربه می‌کنم که در کشور ما غیرفعال است. مپ در این بخش برای هر مقصد، با توجه به زمان‌بندی و نوع وسیله حمل و نقل، چند راه مختلف را پیشنهاد می‌کند. حسرت می‌خورم، اما سعی می‌کنم از لحظه‌ای که در آن هستم، لذت ببرم .

موبایل را از حالت پرواز درآورده‌ام. پیام‌ها و تماس‌ها را دریافت می‌کنم، اما پاسخ نمی‌دهم. از اپراتور همراه اول پیامی می‌آید که بسته‌های مختلف را برای استفاده در خارج از کشور معرفی می‌کند. همچنین هزینه پاسخ‌گویی به تماس‌ها و پیام‌ها را نیز نوشته است. نیازی نیست، از طریق اینترنت با افراد ارتباط برقرار می‌کنم.

گوشی را کنار می‌گذارم. باهم ساز می‌زنیم و آواز می‌خوانیم. در راه خانه، سارا اینترنت گوشی‌اش را در اختیار من گذاشته است و من به بستگانم خبر رسیدنم را داده‌ام. همان‌جا امانتش را به او می‌دهم؛ گوشی آیفون ۱۴ که از مرزهای زیادی عبور کرده است. حالا سارا و پسرش، سروش، با گوشی مشغول هستند. نیما دارد با لوح و قلمی که در اختیارش گذاشته‌ام، جمله‌ای برای خوشامدگویی به من می‌نویسد و نسیم هم درحالی‌که دفتری را جلوی من گذاشته است و می‌خواهد چند کلمه به خط بینایی برایش بنویسم، از من فیلم می‌گیرد. می‌نویسم: نور زیبا. نور نام کودکی است که آنها در راه دارند و قرار است در یکی دو ماه دیگر به جمعشان اضافه شود .

معرفی دو ابزار هوش مصنوعی مینی جی پی تی - ۴ و میدجورنی برای توصیف تصاویر گردآوری و ترجمه: میثم امینی



در سال‌های اخیر شاهد ارائه ابزارهای مختلفی برای توصیف تصاویر برای افراد نابینا بوده‌ایم؛ از برنامه‌های تلفن همراه گرفته تا وبگاه‌ها و افزونه‌های مختلف. این ابزارها یک تصویر را دریافت می‌کنند و با استفاده از هوش مصنوعی تلاش می‌کنند توصیفی مناسب را درباره آن به کاربر ارائه دهند که این موضوع می‌تواند برای یک فرد نابینا بسیار مفید باشد، مثلاً چنین ابزاری می‌تواند به فرد نابینا در شناسایی فضای اطراف، پیدا کردن شیء موردنظر، اطلاع از محتوای تصاویری که در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شوند، استفاده از برنامه‌های با دسترس‌پذیری نامناسب، تشخیص جزئیات داخل عکس‌های یادگاری و خانوادگی و مرتب کردن آنها و... کمک کند.

این ابزارها روزبه‌روز قدرتمندتر می‌شوند و جزئیات بیشتری را با دقتی بالاتر و خطای کمتر به کاربران ارائه می‌دهند که این موضوع خبری خوب برای کاربران نابینا است، چون همیشه مشکل عدم توانایی درک محتوای تصاویر، یکی از موانع سر راه آنها در استفاده مؤثر از فناوری بوده است.

با ورود روبات چت بر پایه هوش مصنوعی چت‌جی‌پی‌تی به بازار محصولات هوش مصنوعی، توجه کاربران عادی بیش‌ازپیش به این دسته محصولات جلب شد. این

این کباب در نانی مانند نان تافتون سبوس‌دار پیچیده شده و بسیار خوشمزه و دلپذیر است. سارا برای استفاده از پله‌های برقی به من یاد می‌دهد که همیشه در سمت راست پله بمانم و راه را برای کسانی که عجله دارند و می‌خواهند روی پله‌ها راه بروند، باز بگذارم. من این قانون را تا پایان سفر رعایت می‌کنم و به کسانی هم که در روزهای بعد به آنها ملحق می‌شوم اطلاع می‌دهم.

یکی از نکته‌هایی که توجه مرا به خود جلب کرده، نوع سخن گفتن افراد با یکدیگر است. لهجه آنها بسیار نرم و لطیف است و اصلاً حروف را به صورت غلیظ ادا نمی‌کنند، حتی حرف «خ» را «ه» تلفظ می‌کنند. این ویژگی‌ها لهجه‌شان را زیبا و آهنگین کرده است.

غروب به محله «بشیکتاش» می‌رویم. نسبت به این محله احساس خوبی دارم. از تمام مغازه‌ها صدای موسیقی می‌آید. صدایشان خیلی بلند نیست. در طول سفر بازم به این محله سر می‌زنم. می‌خواهیم وارد یکی از بارها شویم که نوشیدنی گرم سرو می‌کند، اما چون کودک به همراه داریم، اجازه ورود نمی‌دهند.

بیرون کافه‌ای دور میز، زیر نور چراغ، می‌نشینیم و سیب‌زمینی و سوسیس سفارش می‌دهیم. سیب‌زمینی‌های خاللی سرخ شده را در یک کاغذ قیفی سرو می‌کنند که آن را در یک گیلان پایدار گذاشته‌اند. چه فکر جالبی! سرمای هوا و گرمای غذا فضا را دلپذیر کرده است.

برای رفتن به خانه سارا ماشین در سربالایی حرکت می‌کند. جایی نزدیک تکسیم، محله‌ای به نام «گرتولوش».

نیما چمدانم را در راهروی خانه سارا بر زمین می‌گذارد. با نسیم و نیما خداحافظی می‌کنم. به قول آنها یک تور سه‌روزه را در یک روز گذرانده‌ام؛ دریاچه، بغداد، کاراکوی، تونل بسفر، ایستینیه و بشیکتاش.

ادامه دارد...

جی‌پی‌تی - ۴ و شرکت سازنده آن، یعنی اُپن‌ای‌آی ندارد. اکنون نسخه اول این ابزار که صرفاً به‌عنوان نمونه ارائه شده، در وبگاه رسمی گروه سازنده، به‌صورت رایگان، قابل‌دسترسی است.

برای امتحان مینی‌جی‌پی‌تی - ۴ باید به این صفحه مراجعه کنید، تصویر موردنظر خود را بارگذاری کنید و سپس به زبان انگلیسی از روبات بخواهید که تصویر را برایتان توصیف کند. پاسخ به زبان انگلیسی خواهد بود که در صورت نیاز می‌توانید آن را با ابزارهای ترجمه موجود به فارسی ترجمه کنید. توصیفی که روبات ارائه می‌دهد معمولاً تا حد زیادی دقیق است، اما احتمال خطا هم وجود دارد.



میدجورنی ابزار دیگر مبتنی بر هوش مصنوعی است که می‌تواند تصاویر را توصیف کند. برخلاف مینی‌جی‌پی‌تی - ۴ که فعلاً به‌صورت رایگان ارائه شده، میدجورنی رایگان نیست. این سرویس یک دوره آزمایشی رایگان دارد، اما بعد از گذشت این دوره برای استفاده از آن باید ماهی ده دلار بپردازید. همچنین استفاده از میدجورنی به‌آسانی استفاده از مینی‌جی‌پی‌تی - ۴ نیست و برای کار با آن، گذراندن مراحل بیشتر و دانش فنی لازم است، اما از طرف دیگر میدجورنی سرعت بسیار بالاتری نسبت به مینی‌جی‌پی‌تی - ۴ دارد و کیفیت توصیفی که این سرویس ارائه می‌دهد بالاتر است. میدجورنی چهار توصیف مختلف را برای هر تصویر ارائه می‌دهد که به

روبات که می‌تواند مثل یک انسان در زمینه موضوع‌های گوناگون با کاربر مکالمه داشته باشد، تا امروز قدرتمندترین روبات هوش مصنوعی ارائه‌شده در جهان است. این روبات یک مدل زبانی است و فقط ورودی متنی را می‌پذیرد و خروجی آن نیز متن است، اما قرار است که در نسخه ۴ این روبات امکان دریافت ورودی تصویری هم اضافه شود که به کاربران، از جمله کاربران نابینا و کم‌بینا اجازه می‌دهد تصویری را برای این روبات ارسال کنند و در مورد آن با روبات مکالمه داشته باشند، مثلاً کاربر می‌تواند تصویری را برای این روبات ارسال کند و سپس از روبات بخواهد آن را برای او توصیف کند یا سوآلی را درباره موردی خاص در تصویر از آن بپرسد، اما تا زمان نگارش این مطلب خبری از این ویژگی نیست؛ بنابراین در این مطلب شما را با دو ابزار مبتنی بر هوش مصنوعی مینی‌جی‌پی‌تی - ۴ و میدجورنی آشنا می‌کنیم که کاری مشابه را انجام می‌دهند و عملکردی بسیار بهتر نسبت به ابزاری که شاید تا به حال از آنها استفاده کرده‌اید ارائه می‌دهند. توجه داشته باشید که این دو ابزار بیشتر جنبه آزمایشی دارند و به دلیل کندی کار شاید برای استفاده روزمره چندان مناسب نباشند، ولی استفاده از آنها می‌تواند توانایی‌های فوق‌العاده این نوع ابزارها را برایتان به نمایش بگذارد و پیش‌نمایشی باشد از آینده‌ای که در آن تصاویر دیگر برای ما نامأنوس و بلااستفاده نیستند.

مینی‌جی‌پی‌تی - ۴ یک پروژه منبع باز است که گروهی از دانشجویان دکتری دانشگاه علم و صنعت ملک عبدالله عربستان سعودی برای به نمایش درآوردن توانایی‌های هوش مصنوعی در زمینه بینایی و زبان، روی بستر گیت‌هاب ارائه داده‌اند. این پروژه پیش‌نمایش خوبی را از امکاناتی که چت‌جی‌پی‌تی در زمینه پردازش تصویر خواهد داشت به ما ارائه می‌دهد. مینی‌جی‌پی‌تی - ۴ می‌تواند تصاویر را توصیف کند، بر اساس تصاویر داستان بنویسد و حتی بر پایه تصاویری که با دست کشیده شده‌اند، وبگاه ایجاد کند. این پروژه ارتباطی با

خودآگاهی: مهارتی ضروری در بهبود

زندگی ما

امین عرب: آموزگار آموزش و پرورش استثنایی فارس

خودآگاهی یکی از جنبه‌های اساسی رشد و توسعه فردی

است. این مهارت

شامل توانایی

تشخیص و درک

افکار، احساسات،

نقاط قوت و ضعف



خود می‌شود. خودآگاهی برای همه افراد مهم است، اما برای افراد با آسیب بینایی اهمیت ویژه‌ای دارد. در این مقاله به بررسی مفهوم خودآگاهی و اهمیت آن در زندگی افراد با آسیب بینایی خواهیم پرداخت و نکاتی کاربردی برای افزایش خودآگاهی ارائه خواهیم کرد.

خودآگاهی چیست؟

خودآگاهی به معنای توانایی نظارت بر احساسات و واکنش‌های خود فرد است. این مهارت به شما این امکان را می‌دهد که نقاط قوت، ضعف، عوامل تحریک‌کننده، انگیزه‌ها و سایر خصوصیات خود را بشناسید. خودآگاه بودن به معنای این است که شما نگاه عمیق‌تری به احساسات خود داشته باشید، اینکه چرا یک نوع احساس خاص را تجربه می‌کنید و اینکه چگونه احساس شما می‌تواند به واکنش تبدیل شود و این واکنش چگونه می‌تواند زندگی شما را تحت‌تأثیر عوامل منفی یا مثبت قرار دهد. تاکنون مهارت‌های مختلفی را موردبررسی قرار داده‌ایم و لازم است اشاره کنیم که خودآگاهی پایه و لازمه تمامی مهارت‌های زندگی است؛ چراکه تا از وضع موجود آگاهی نداشته باشیم و آن را نپذیریم، نمی‌توانیم به تغییر شرایط اقدام کنیم.

ما کمک می‌کند تصویر را از دیدگاه‌های متفاوتی درک کنیم.

برای استفاده از میدجورنی باید اول برنامه پیام‌رسان دیسکورد را بارگیری و نصب کنید. سپس باید با استفاده از این پیوند به سرور مربوط به میدجورنی بپیوندید. برای کار با برنامه میدجورنی باید از دستوراتی استفاده کنید که با علامت اسلش شروع می‌شوند. با وارد کردن دستور مربوط به توصیف تصویر گزینه‌ای برای بارگذاری تصویر ظاهر می‌شود. پس از بارگذاری، چهار توصیف مختلف برای تصویر نمایش داده می‌شود. میدجورنی امکان تبدیل توصیف به تصویر را هم دارد و این چهار توصیف، درواقع توصیف‌هایی‌اند که اگر یکی از آنها را به میدجورنی بدهید، تصویری مشابه تصویر انتخاب‌شده را برای شما ایجاد می‌کند؛ بنابراین توصیف گاهی کلماتی اضافی مثل منحنی‌های صاف، صیقلی یا نسبت تصویر دارد که میدجورنی در فرایند تولید تصویر می‌تواند از آنها استفاده کند، ولی شاید برای استفاده انسانی مناسب نباشد. ما می‌توانیم این کلمات اضافی را نادیده بگیریم یا از آنها برای دریافت اطلاعات بیشتر درباره تصویر بهره بگیریم. خروجی میدجورنی هم به زبان انگلیسی است.

ما از بررسی این دو سرویس نتایج بسیار خوبی را دریافت کردیم و امیدواریم با اضافه‌شدن امکان تشخیص تصویر به چت‌جی‌پی‌تی، شاهد در دسترس بودن بیش‌ازپیش این امکان باشیم. همان‌گونه که در یکی از شماره‌های قبلی در این ستون درباره آن صحبت کردیم، بی‌مای آیز قرار است از امکان تشخیص تصویر نسخه ۴ چت‌جی‌پی‌تی برای ارائه خدمات به کاربران نایینای خود استفاده کند؛ بنابراین با در دسترس قرار گرفتن این امکان می‌توانیم امیدوار باشیم که به‌سرعت از طریق برنامه بی‌مای آیز به آن دسترسی خواهیم داشت.

تقویت خودآگاهی به‌عنوان مهارتی زیربنایی به آنها کمک می‌کند.

۴. بهره‌مندی از حمایت و آموزش

خودآگاهی به افراد با آسیب بینایی کمک می‌کند تا از حقوق و نیازهای خود به‌طور مؤثر دفاع کنند. آنها را قادر می‌سازد تا تجربه‌ها و چالش‌های خود را بیان کنند و از این طریق آگاهی، درک و فعالیت در جامعه را ارتقا دهند؛ علاوه‌براین خودآگاهی به آنها کمک می‌کند که فرصت‌های یادگیری و رشد را شناسایی کنند که به توسعه شخصی و حرفه‌ای منجر می‌شود.

راه‌هایی برای تقویت مهارت خودآگاهی

۱. نقاط قوت و ضعف خود را بشناسید

می‌توانید با فهم موقعیت‌هایی که قوی‌ترین و ضعیف‌ترین هستید، بهبود خودآگاهی را شروع کنید. در این خصوص می‌توانید از آزمون‌های شخصیت استفاده کنید، از روان‌کاو یا روان‌شناس کمک بگیرید یا به مربی^۱ مراجعه کنید. وقتی درک کنید که شخصیت شما چگونه با شخصیت افراد دیگر مقایسه می‌شود، می‌توانید کشف کنید که چه چیزی به شما انگیزه می‌دهد و چگونه با جهان ارتباط دارید. هر دوی اینها جنبه‌های مهم خودآگاهی هستند. آزمون‌های مایرز بریگز (MBTI)^۲ و مینه‌سوتا (MMPI)^۳ یا تست تداعی کلمات می‌توانند در این مورد به شما کمک کنند.

۲. در مورد تأثیری که بر اطرافتان می‌گذارید

فکر کنید

زمانی که خودآگاه باشید، درک می‌کنید که چگونه به‌طور غریزی می‌اندیشید، با دیگران ارتباط برقرار می‌کنید، و تصمیم می‌گیرید. یک راه عالی برای درک این موارد این است که دفتر خاطراتی داشته باشید، جایی که درباره روزتان، کارهایی که انجام داده‌اید، احساساتی که تجربه

علل اهمیت خودآگاهی برای افراد با آسیب

بینایی

۱. افزایش توانمندی و عزت‌نفس

افزایش خودآگاهی به افراد با آسیب بینایی کمک می‌کند تا درک عمیق‌تری از نقاط قوت، توانایی‌ها و محدودیت‌های خود به دست آورند. این دانش باعث تقویت توانمندی و عزت‌نفس می‌شود و آنها را قادر می‌سازد تا با افزایش استقلال و انعطاف‌پذیری در جهان حرکت کنند؛ برای مثال یک فرد با آسیب بینایی با داشتن مهارت خودآگاهی می‌داند که ممکن است نتواند در خیابان‌های ایران کاملاً مستقل تردد کند و شاید در برخی مکان‌ها نیاز به کمک گرفتن از دیگران داشته باشد، اما می‌تواند با یادگیری مهارت جهت‌یابی و تحرک، نیاز به حضور دیگران را به حداقل برساند.

۲. تصمیم‌گیری و حل مسئله

خودآگاهی مهارت‌های تصمیم‌گیری و حل مسئله را بهبود می‌بخشد، زیرا افراد با آسیب بینایی با ارزش‌ها، اولویت‌ها و اهداف خود هم‌سوتر می‌شوند. این خودشناسی به آنها کمک می‌کند تا انتخاب‌های آگاهانه داشته باشند و راه‌حل‌های مؤثری برای چالش‌هایی که ممکن است در زندگی روزمره‌شان با آنها مواجه شوند بیابند. در شماره‌های قبلی، مهارت‌های حل مسئله و تصمیم‌گیری را به‌تفصیل بررسی کردیم.

۳. ایجاد روابط مؤثر

درک احساسات و سبک ارتباطی خود برای ایجاد و حفظ روابط معنادار ضروری است. با داشتن خودآگاهی، افراد با آسیب بینایی می‌توانند احساسات و نیازهای خود را بهتر بروز دهند و ارتباطات باز و واقعی را با دیگران تقویت کنند. با توجه به اینکه یکی از چالش‌های افراد با آسیب بینایی ایجاد و مدیریت ارتباط با دیگران است،

^۲. Minnesota Multiphasic Personality Inventory

^۱. coach

^۳. Myers-Briggs Type Indicator

تأثیر منفی بگذارد. نشان دادن فروتنی بخش مهمی از این امر است. وقتی متواضع هستید، توجه و انرژی خود را بر دریافت دیگران متمرکز می‌کنید، نه صرفاً بر خودتان.

۴. از دیگران بازخورد بخواهید

دریافت بازخورد برای توسعه خودآگاهی از اهمیت فراوانی برخوردار است؛ به‌هرحال این کار اغلب تنها راهی است که می‌توانید در مورد مسائلی که شاید نتوانید مستقیم با آنها روبه‌رو شوید، آگاهی کسب کنید. در این خصوص در اینترنت «پنجره جوهری» را جستجو و در مورد آن مطالعه کنید. این نظریه در مورد خودآگاهی، دیدگاه جدیدی به شما می‌دهد. همچنین می‌توانید از خانواده، دوستان و همکارانتان بازخورد دریافت کنید. وقتی از اطرافیان بازخورد می‌خواهید، این کار به شما فرصتی می‌دهد تا رفتار خود را از دیدگاه آنها ببینید؛ علاوه‌براین می‌تواند به شما کمک کند نقاط ضعفی را که نمی‌توانید ببینید یا ترجیح می‌دهید نادیده بگیرید، شناسایی کنید. این دیدگاه را در زندگی خود اعمال کنید.

۵. روزمره‌نویسی را جدی بگیرید

یک دفترچه بخرید! شب‌ها چند دقیقه را به تفکر در مورد روز خود اختصاص دهید و سپس افکارتان را یادداشت کنید. اگر می‌توانید، به‌محض ورود به خانه این کار را انجام دهید، زیرا اتفاق‌های روز در ذهنتان یادآوری می‌شود. اگر پس از مدتی به نوشته‌های پیشین خود مراجعه کنید، می‌توانید تغییرات زندگی‌تان را به‌خوبی ببینید. همچنین بررسی نقاط ضعف خود پس از گذشت مدت‌زمانی آسان‌تر است، زیرا درگیر احساسات شدید نسبت به آنچه گذشته نیستید.

منابع

□ [ویگاه vision aware](#)

□ [ویگاه mind tools](#)

و ابراز کرده‌اید و پیامدهای آن بنویسید. این شیوه به شما کمک می‌کند تا در مورد اینکه چه چیزی برای شما مفید است و چه چیزی کار نمی‌کند، فکر کنید و از تأثیر خود بر دیگران بیشتر آگاه شوید.

از طرف دیگر، پنج یا ده دقیقه در روز استراحت کنید و مدیتیشن انجام دهید. مدیتیشن به گسترش و تقویت خودآگاهی شما کمک می‌کند و همچنین می‌تواند استرس را کاهش دهد. مدیتیشن یکی از راه‌های دستیابی به ذهن آگاهی است. در خصوص ذهن آگاهی و انجام آن جستجو کنید و تمرین‌های آن را در برنامه روزانه خود بگذارید یا اینکه هرروز عصر وقت بگذارید و بی‌سر و صدا درباره روزی که گذشت فکر کنید. به این بیندیشید که چقدر با مردم کار کرده‌اید، چه کاری را خوب انجام داده‌اید و چه کاری را می‌توانستید بهتر انجام دهید؟

۳. بر چگونگی تعاملتان با دیگران متمرکز شوید

افرادی که خودآگاه هستند، آگاه‌اند که گفتار و رفتارشان چگونه بر دیگران تأثیر می‌گذارد. برای آگاهی بیشتر از تأثیر خود بر دیگران، یاد بگیرید که چگونه احساساتتان را مدیریت کنید. زمانی را برای سنجش دقیق آنچه می‌گویید اختصاص دهید و به این فکر کنید که چگونه بر شخصی که با او صحبت می‌کنید تأثیر می‌گذارد. اگر متوجه شدید استرس، خشم یا ناامیدی خود را به دیگران منتقل می‌کنید، فوری این رویه را متوقف کنید؛ در عوض ببینید آیا می‌توانید چیز مثبتی در مورد این وضعیت پیدا کنید. چند نفس عمیق بکشید یا حتی اگر متوجه شدید که نمی‌توانید احساسات خود را کنترل کنید، از آنجا دور شوید.

وقتی حرف‌ها یا رفتار خود را مدیریت می‌کنید، به این معنی نیست که دروغ می‌گویید، بلکه نشان می‌دهد که به‌اندازه کافی به دیگران اهمیت می‌دهید و سعی می‌کنید که کاری را انجام ندهید که ممکن است بر آنها

- من قبلاً اول از وضعیت بینایی و مشکلشون از همه می‌پرسیدم. نمی‌دونم چی شد مسیر عوض شد. بهم می‌گی چقدر می‌بینی و مشکل بیناییت چیه؟

- من دچار کما شدم و وقتی از کما بیرون اومدم، چشم راستم مصنوعی بود و خب اصلاً دید نداشت. چشم چپم یه کم دید داشت که اونم به مرور زمان داره کم و کمتر می‌شه. دو سال پیش که هم رو دیدیم، دیدش تقریباً خوب بود، ولی الان خیلی کمتر شده. الان دیدم البته خیلی ضعیف شده و نمی‌تونم خیلی اطرافم رو با چشم کنترل کنم. خیلی از کارام رو با سگ راهنما انجام می‌دم که خب! حضورش خیلی برام مفیده.

- می‌شه یه کم بیشتر راجع به سگت و کمک‌هاش برامون بگی؟

- من سگ اولم رو یک‌سال و نیم پیش گرفتم. اون کمک می‌کنه من پیام سر کار و توی فروشگاهم حسابی هوام رو داره.

- خب! رسیدیم به فروشگاهت. تو یه اسم خیلی خوب براش انتخاب کردی.

- آره! اسمش رو گذاشتم «کیچن-نت». ^۱ فروشگاهم توی یکی از خیابون‌های شلوغ مریلنده.

خیابون ما یه جای تاریخیه که توش کلی مغازه و رستوران می‌تونن ببینی، با کلی آدم.

- چند وقته فروشگاهت رو داری؟

- وقتی اول سپتامبر بیاد، می‌شه شش سال. ما کارمون رو از اول سپتامبر ۲۰۱۶ شروع کردیم و حتی تو دوران کرونا هم سر پا بودیم.

- خب! فقط تویی و شوهرت، یا کسای دیگم باهات کار می‌کنن؟

همقدم با سم در دنیای مشاغل

ترجمه و تنظیم: میرهادی نایینی‌زاده

سلام رفقا! خوش اومدین به قسمت سوم برنامه مشاغل! می‌دونید که من تو این برنامه با آدمای خیلی باحالی صحبت می‌کنم؛ از کار و بارشون می‌پرسم و می‌خوام بفهمم چه مشکلات و چالش‌هایی دارند و چطوری باهاشون کنار می‌آن.

الانم یه آدم باحال با منه که وقتی تو شبکه‌های اجتماعی پست می‌ذاره، این‌طوری حرفاش رو شروع می‌کنه: «سلام ناییناهای قشنگ!» حتماً اونایی که دنبالش می‌کنن، فهمیدن دارم کی رو می‌گم.



- خب! می‌شه اول کار به من بگی اسمت چیه؟

- صبح‌به‌خیر! اسم من ماریان هورنیاکه.

- نمی‌دونم چرا تکیه کلامت رو اینجا نگفتی ماریان، ولی خب! بهم بگو چی کار می‌کنی؟ شغلت چیه؟

- من یه فروشگاه لوازم آشپزخونه دارم.

نسل‌مانا

– دوره که زیاد دیدم. اگه بخوام اونایی رو که از همه مهم‌تر بودن بهت بگم، یه دوره سالانه هست که راجع به نیازسنجی و اینکه الان چه چیزایی و چرا رو بورس، اطلاعات خوبی می‌ده، ولی یه چیز مهم دیگه می‌خوام بگم و اون اینه که من خیلی وقتا خودم رو جای یه مشتری می‌ذارم و چیزی رو که فکر می‌کنم نیاز همه هست، خودم استفاده می‌کنم تا بینم مثلاً فلان چیز می‌تونه فروش خوبی داشته باشه یا نه؟

– به‌عنوان کسی که دید کافی نداره از چه ابزارایی توی کارت استفاده می‌کنی؟ برای من راستش خیلی جالبه بدونم چطوری می‌تونن کارات رو مدیریت کنی؟

– اول باید بگم من انواع و اقسام درشت‌نما رو برای کارهای مختلف استفاده می‌کنم و وقتی لازم باشه از روی چیزی بخونم که بتونم ثبتش کنم، حتماً از اونا کمک می‌گیرم. چیز دیگه‌ای که باید بگم اینه که من خیلی خوب می‌دونم هر چیز رو کجا باید بذارم و این خیلی خیلی کمک می‌کنه که کارم رو بهتر انجام بدم. چیزهایی که من استفاده می‌کنم تقریباً همون وسایلیه که بقیه کم‌بیناها دارن.

– چیزی که می‌گی من رو یاد یکی از دوستانم می‌ندازه که بعد از کم‌بینا شدنش می‌خواست تو کار پوشاک مردانه کار کنه و خب! با ظرافت تمام تونست کاراش رو اون‌طور که می‌خواد با رنگ‌یابا انجام بده. قطعاً تو هم خوب تونستی طراحی کارات رو خودت انجام بدی.

– همین‌طوره، من تمام طراحی کارم رو خودم طوری انجام دادم که باهاش راحت‌تر و تصور نمی‌کنم تا حالا با طراحی من برای کسی مشکلی ایجاد شده باشه. مهم اینه که الان همه‌چی رو اون‌طوری در اختیار دارم که می‌خوام و اصلاً لازم نیست کسی سر این‌جور چیزا به من کمک کنه.

– خب! تو که رئیس خودتی، ولی برام جالبه که بدونم همکاریات و به‌ویژه مشتریات با مشکل بینابیت چطور برخورد می‌کنن؟

– راستش اولش که شروع کردیم، من بودم و بچه‌هام با یه نفر دیگه، اما یواش‌یواش دخترم با هم‌کارم رفتن کالج و من موندم و پسرم. پسرم داره می‌ره کالج و من حالا یکی از دانش‌آموزای دبیرستانم. راستش رو بخواین کار خیلی برام سخته، ولی خب! من توان انجامش رو دارم.

– من البته از طریق پست‌های تیک‌تاکت یه‌خرده با کارت و اینکه چطوری با سگت انجامش می‌دی آشنا، ولی اول بهم بگو قبلاً چه کارهایی رو تجربه کردی؟

– من یه لیسانس تربیت‌بدنی دارم و یه مدرک ماساژ. خب! با این مدارکم یه مدتی کار بدن‌سازی و ماساژ کردم و وقتی بچه‌هام به سن مدرسه رسیدن، منم رفتم کار مدرسه رو تجربه کردم و حالا فکر می‌کنم فروشگاه می‌تونه یه کار مناسب برای من باشه.

– واقعاً دلم می‌خواد بدونم ورزش و لوازم آشپزخونه چه ربطی به هم دارن؟

– خب! راستش رو بخوای هیچی، ولی خب! می‌خوام بگم من توی بازار ورزش خیلی فعال بودم، حتی یه وبلاگ داشتم. بعد که اومدم سمت کار توی مدرسه، بهم پیشنهاد شد برم توی یکی از روستاهای مریلند و اونجا خیلی حرفه‌ای کار بدن‌سازی رو ادامه بدم، ولی من هیچی از کار تو روستا نمی‌دونستم و دلم هم می‌خواست یه کار دیگه رو تجربه کنم. من اصلاً تجربه فروش نداشتم و فقط یه کلاس مختصر گذروندم که بتونم این کارو شروع کنم. چیزی که شاید بشه گفت یه ربطی بین این دو تا هست اینه که من همیشه دنبال این بودم که وسایل و غذاهای سالمی انتخاب کنم برای خودم و همین باعث شد برم به سمت فروش لوازم آشپزخونه. می‌تونم بگم خیلی خوبه که یه مشاور خوب داشتم که من رو درست راهنمایی کرد چه چیزهایی بخرم که فروش خوبی داشته باشه.

– خب! تو یه چیزهایی راجع به آموزش گفتی. می‌خوام بدونم چه دوره‌هایی رو دیدی برای این کار؟

نسل‌مانا

سایه ابر در تلاطم گرما (آشنایی با نرم‌افزارهای توان‌بخشی کاربران نابینا و کم‌بینا برای کامپیوتر و گوشی همراه) مسعود طاهریان: مددکار مؤسسه حمایت از بیماران چشمی آرپی

مقدمه

بر اساس قوانینی که در بسیاری از کشورهای پیشرفته دنیا وجود دارد، اگر شرکت یا شخص حقیقی‌ای بخواهد محصول نرم‌افزاری و تحت وب خود را بدون مشکل راهی بازار کند، ملزم است استانداردهایی را مانند مؤلفه‌های رابط کاربری در دسترس و دستورالعمل‌های دسترسی به محتوای وب^۱ (WCAG) لحاظ نماید تا آن محصول برای تمام کاربران با هر شرایط جسمانی، قابل استفاده باشد. این قوانین حمایتی منفعت بسیاری برای کاربران با آسیب بینایی داشته است؛ چراکه بیشتر فناوری‌های روز در این کشورها توسعه پیدا می‌کنند؛ بنابراین هر نرم‌افزاری که در بازار جهانی عرضه می‌شود، برای افراد نابینا و کم‌بینا قابل استفاده هستند؛ به‌همین دلیل در ویندوز مایکروسافت^۲، اندروید^۳ و آی‌اواس^۴ که سیستم‌عامل‌های رایج کنونی هستند، امکانات متنوعی گنجانده شده است تا اشخاص با محدودیت‌های بینایی، بتوانند راحت از آنها استفاده کنند. از سوی دیگر، نرم‌افزارهای جانبی بسیاری وجود دارد که به این قشر کمک می‌کند تا نیازهایشان را در زمینه‌های مختلف آموزشی، شغلی، ارتباطی، تفریحی، مالی و... بدون کمک دیگران و مستقل، برطرف کنند؛ در نتیجه پیشرفت فناوری، به‌ویژه در حوزه نرم‌افزار، بسیار تأثیر مثبتی بر کیفیت زندگی افراد نابینا و کم‌بینا گذاشته است. خوب است این افراد به فراخور مختصات باقیمانده بینایی و شرایط محیطی‌شان، کامل روی این امکانات

باید بگم یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که من توی کار دارم، نظافت فروشگاهه. تا قبل از اینکه پسرم بره کالج، همیشه بهش می‌گفتم: هر وقت گرد و خاک یا موی سگ دیدی، سریع راست و ریستش کن که مشکلی پیش نیاد. من یه برنامه دوره‌ای برای نظافت دارم، اما مشتری‌ها... خب! من خیلی نمی‌خوام تابلو باشه که یه نابینا داره اینجا رو می‌گردونه، اما خب! اونایی که مشتری ثابت من شدن این رو می‌دونن و باید بگم واقعاً با این قضیه با صبر و همکاری برخورد کردن و هیچ مشکلی هم به وجود نیومده برای فروش من.

یه چیزی... من وقتی خودم از درشت‌نما استفاده می‌کردم، خیلی‌ها تو چشم خیره می‌شدن و این اذیت‌م می‌کرد، البته حالا بهش عادت کردم. این اتفاق برای تو هم افتاده؟

اولین بار که این اتفاق افتاد، یک‌شنبه بود؛ توی نوامبر. و دستگاه کارت‌خوان درست کار نمی‌کرد و مجبور بودم دستی کار کنم و این یه کم زمان می‌برد. کاری که کردم این بود که استرسم رو کنترل کردم و به مشتری گفتم که تمام تلاش‌م رو می‌کنم کار در سریع‌ترین زمان ممکن انجام بشه. راستش سم! منم الان به این وضع کاملاً عادت کردم و دیگه باهاش مشکلی ندارم.

ماریان! این خیلی خوب بود که ما باهم حرف زدیم و فکر می‌کنم برای بیننده‌هامونم خیلی مفید بود. مرسی که با من بودی!



^۴ iPhone Operating System (iOS)

^۵ Operating systems

^۱ Web Content Accessibility Guidelines

^۲ Microsoft Windows

^۳ Android

صفحه خوان



نرم‌افزارهای صفحه‌خوان^۸ آنچه را در صفحه‌نمایش کامپیوتر و گوشی همراه نشان داده می‌شود، تشخیص می‌دهند و آنها را به خروجی صوتی یا خط بریل تبدیل می‌کنند. همچنین به کاربران نابینا اجازه می‌دهند با استفاده از کلیدهای میان‌بر و حرکات لمسی یا دستگاه‌های ورودی خارجی مانند صفحه‌کلید بلوتوث و نمایشگر بریل، در بین عناصر صفحه حرکت کنند و با دستگاه خود تعامل داشته باشند.

سیستم‌عامل گوشی‌های همراه صفحه‌خوان‌های داخلی دارند. تاک‌بک^۹ برای اندروید و ویس‌اُور^{۱۰} برای آی‌اواس است که با مراجعه به بخش دسترسی در تنظیمات اصلی دستگاه، می‌توان این قابلیت را فعال کرد. کامنتری^{۱۱} یا جیشیوو^{۱۲} صفحه‌خوان دیگری است که می‌توان آن را جداگانه روی دستگاهی با سیستم‌عامل اندروید نصب کرد و متون و عناصر صفحه را به صوت تبدیل نمود. این نرم‌افزار چینی امکانات دیگری هم در اختیار کاربر قرار می‌دهد؛ برای مثال با کمک آن می‌توان متن داخل عکس‌ها را خواند؛ معماهای تصویری^{۱۳} را حل کرد؛

نرم‌افزاری مسلط شوند و از کامپیوتر و گوشی همراه استفاده کنند. در ادامه انواع قابلیت‌های دسترسی^۱ سیستم‌عامل‌ها و نرم‌افزارهای جانبی معرفی می‌شود که در زندگی افراد نابینا و کم‌بینا نقش تسهیلگری و توان‌بخشی دارند.

درشت‌نمایی یا بهبود دید

درشت‌نمایی^۲ یکی از مهم‌ترین قابلیت‌های دسترسی در تمام سیستم‌عامل‌ها است که افراد کم‌بینا می‌توانند با کمک آن با توجه به سلیقه و میزان بینایی خود، اندازه^۳ نوشته‌ها و تصاویر را در کامپیوتر و گوشی همراه بزرگ کنند و آنها را راحت‌تر بخوانند یا ببینند. همچنین این افراد با استفاده از این قابلیت، به فراخور شرایط بینایی، می‌توانند میزان نور نمایشگر، روشنی یا تیرگی صفحه، وضوح^۴ تصاویر و تضاد رنگ بین نوشته‌ها و پس‌زمینه را تنظیم کنند تا راحت‌تر با کامپیوتر و گوشی همراه کار کنند.

برای فعال کردن این قابلیت باید در تنظیمات^۵ اصلی سیستم‌عامل به گزینه قابلیت دسترسی رفت و از بین سرب‌برگ‌های موجود، بهبود بینایی^۶ را فعال کرد. این قابلیت در ویندوز مایکروسافت، کلید میان‌بر و در گوشی همراه، نشانه حرکتی میان‌بر دارد و می‌توان آن را فعال کرد که به راحتی در هر جا، بدون مراجعه مجدد به تنظیمات، این قابلیت خاموش یا روشن شود و حتی میزان بزرگ‌نمایی تنظیم گردد. فیوژن^۷ نرم‌افزار مستقل دیگری برای درشت‌نمایی در فضای ویندوز است که باید جداگانه نصب شود و هم‌زمان امکان بزرگ‌نمایی و خواندن مطالب با صدا را فراهم می‌کند.

^۸ Screen reader

^۹ Talk Back

^{۱۰} Voice Over

^{۱۱} Commentary

^{۱۲} Jieshuo

^{۱۳} captcha

^۱ Accessibility

^۲ magnification

^۳ Size

^۴ resolution

^۵ Settings

^۶ Vision

^۷ Fusion

کلیک کرد و از قسمت Choose a Voice Microsoft Dilara Online Select (Natural) – Persian (Iran) را انتخاب کرد. امید است این قابلیت به تدریج به تمام برنامه‌های میکروسافت اضافه شود.

بی‌مای‌آیز

بی‌مای‌آیز^۶ نرم‌افزاری رایگان است که افراد با آسیب بینایی را به داوطلبان بینا متصل می‌کند تا برای انجام کارهای دیداری روزمره خود مانند توصیف فضا یا خواندن نوشته‌ها، کمک بگیرند. استفاده کردن از این نرم‌افزار محدودیتی ندارد و حریم شخصی اشخاص را رعایت می‌کند؛ چراکه صدها هزار نیروی داوطلب در این نرم‌افزار از سراسر جهان حضور دارند و بعید است که به یک داوطلب غریبه، دو بار وصل شد، چه برسد که به یک فرد آشنا برخورد کرد. بعد از نصب نرم‌افزار، افراد باید زبان‌هایی را که بلد هستند، مشخص کنند تا آنها را به اشخاص هم‌زبان وصل کند. به علت قرار گرفتن ایران در فهرست تحریم، برای نصب یا استفاده از این نرم‌افزار باید برنامه شکن را که یک تحریم‌شکن است، داشت و فعال کرد.

برنامه‌های مسیریاب با نشانه‌های صوتی

افراد نابینا و کم‌بینا می‌توانند با کمک نرم‌افزارهای مسیریاب گت در^۷، دات واکر^۸ و نیبریای اکسپلر^۹ که به صورت اختصاصی برای راهنمایی افراد با آسیب بینایی طراحی شده اند یا برنامه‌های مسیریاب عمومی دسترس‌پذیر نشان و بلد در سطح شهر جابه‌جا شوند؛ مسیر خود را پیدا کنند، مکان‌های مختلف را مانند بانک‌ها تشخیص بدهند و آنها را نشانه‌گذاری کنند.

چهره‌ها، اشیاء و صحنه‌ها را تشخیص داد؛ بدون لمس کردن صفحه، با دستگاه کار کرد؛ با گذاشتن هشدار صوتی منظم، متوجه گذر زمان شد و متون خارجی را ترجمه کرد. بخشی از عملکردهای این نرم‌افزار به رایگان در اختیار همگان است و بخش دیگری از امکانات آن با پرداخت هزینه، در دسترس خواهد بود.

نریتور^۱، صفحه‌خوان داخلی ویندوز میکروسافت است که در بخش دسترسی دستگاه، بدون هزینه اضافه قابل فعال شدن است. جاز^۲ یک صفحه‌خوان قدیمی با صدای انسانی برای ویندوز است که کاربران نابینا باید آن را بخرند و جداگانه روی کامپیوترشان نصب کنند. ان‌وی‌دی^۳، صفحه‌خوان مستقل دیگری برای ویندوز است که امروزه به علت رایگان و متن‌باز^۴ بودن، طرفداران بسیاری دارد.

برای پشتیبانی از زبان فارسی باید موتور صوتی رایگان و متن‌باز^۵ ئی‌اسپیک‌ان‌جی^۵ را روی دستگاه موردنظر نصب کرد و آن را در تنظیمات تبدیل متن به گفتار صفحه‌خوان، به‌عنوان موتور برگزیده انتخاب نمود. متأسفانه هنوز امکان اضافه کردن ئی‌اسپیک‌ان‌جی در نریتور وجود ندارد. پارس آوا، ماهور، رسا و پک‌جاز موتورهای صوتی پولی دیگری هستند که توسط شرکت‌های ایرانی تولید شدند و می‌توان آنها را به جاز و ان‌وی‌دی‌ای اضافه کرد تا متون فارسی را با صدایی نسبتاً انسانی گویا کرد؛ علاوه‌براین اخیراً در مرورگر Edge می‌توان به‌جای خواندن مطالب وب، با فعال‌سازی قابلیت Read Aloud به آن مطلب گوش داد که زبان فارسی را هم پشتیبانی می‌کند. برای فعال کردن قابلیت Read Aloud، در منو باید گزینه Read Aloud را انتخاب کرد. سپس در نوار جدیدی که ظاهر می‌شود، روی گزینه Voice Options

^۵ SpeakNG

^۶ Be My Eyes

^۷ Get there

^۸ dot walker

^۹ nearby explorer

^۱ Narrator

^۲ Job Access With Speech (JAWS)

^۳ NonVisual Desktop Access (NVDA)

^۴ open source

با استفاده از دستورات صوتی استفاده کنند و با تایپ صوتی، مطالب خود را بنویسند.

خرید با شیوه‌های نوین

در این روزها علاوه بر شیوه خرید حضوری، افراد نابینا و کم‌بینا می‌توانند به‌صورت آنلاین، محصولات و خدمات موردنیاز خود را بگیرند و اینترنتی یا بعد از تحویل در محل، هزینه‌ها را پرداخت کنند. فقط برای خرید آنلاین درست، باید بخش مشخصات کالا و نظرات مردمی را دقیق بخوانند و بعد تصمیم بگیرند. اگر باید ویژگی‌های دیداری محصولات یا افراد ارائه‌دهنده خدمات را (مانند پلاک تاکسی) بررسی کنند، از طریق گزینه تماس تصویری و به اشتراک‌گذاری عکس در پیام‌رسان‌های اینترنتی می‌توانند نظر آشنایان بینی قابل‌اعتمادشان را بپرسند یا با نرم‌افزار بی‌مای‌آیز به‌منظور حفظ حریم شخصی، از یک فرد بینی ناشناس کمک بگیرند. برای خواندن کدهای امنیتی تصویری در پرداخت آنلاین، می‌توانند از افزونه آنتی‌کپچا^{۱۱} استفاده کنند. باید در تنظیمات صفحه‌خوان‌ها گزینه بلند خواندن شناسه‌های عناصر صفحه را روشن کنند تا بتوانند دکمه‌های بی‌برچسب و وبگاه‌های اینترنتی و اپلیکیشن‌های آنلاین را بخوانند. وبگاه‌های فروش آنلاین برای این افراد دسترس‌پذیرتر هستند، ولی با داشتن موقعیت مکانی مبدأ و مقصد و انتخاب دوانگشتی کادرهای جستجو، می‌توانند از اپلیکیشن‌های فروش هم، به‌صورت مستقل، استفاده کنند. همچنین می‌توانند از آشنایان معتمدشان بخواهند تا برایشان خرید کنند، اما آدرس خانه آنها را به‌عنوان محل تحویل کالا، ثبت کنند یا به‌عنوان هدیه، لینک دانلود محصولات دیجیتال مانند کتاب الکترونیکی را برایشان بفرستند. در این خریدهای

نویسه‌خوان نوری

انواع نرم‌افزارهای نویسه‌خوان نوری^۱ به افراد با آسیب بینایی کمک می‌کنند تا مطالب و نوشته‌های گرافیکی را مثلاً فرمت PDF یا JPG به فرمت‌هایی مثل DOC یا txt تبدیل کنند تا بتوانند این مطالب تبدیل‌شده را با صفحه‌خوان‌ها بخوانند. نرم‌افزار کِرزورل^۲ معروف‌ترین نویسه‌خوان نوری است که برای تبدیل منابع انگلیسی توسعه یافته است و افراد نابینا و کم‌بینا می‌توانند برای تبدیل مطالب خود مثل محتواهای علمی یا فراگیری زبان، از آن استفاده کنند. نویسه‌خوان‌های قابل‌توجهی برای مطالب فارسی هم توسعه یافته است که نرم‌افزار

google OCR for Persian blinds یکی از بهترین آنها است که با کمک یکی از قابلیت‌های Google Drive به افراد با آسیب بینایی کمک می‌کند تا تبدیل فایل‌های غیرقابل‌فهم برای صفحه‌خوان‌های افراد نابینا را به مطالب قابل‌استفاده انجام دهند؛ علاوه‌براین می‌توان نویسه‌خوان‌های مناسبی برای گوشی همراه در بازارهای نرم‌افزار پیدا کرد که انویژن‌ای‌آی^۳، اینستاریدر^۴ و سالیوان‌پلاس^۵ معروف‌ترین آنها هستند و به این افراد کمک می‌کنند تا منوها و فرم‌های کاغذی را بخوانند، محیط پیرامون را تشخیص دهند، رنگ و نوع اشیاء را بفهمند و کتاب‌های چاپی را مطالعه کنند.

دستورات صوتی

کاربران نابینا می‌توانند از دستیارهای صوتی هوشمند کورتانا^۶ در مایکروسافت، سیری^۷ در آی‌اواس، دستیار گوگل^۸ در اندروید یا بیکسبی^۹ در سامسونگ برای کنترل دستگاه‌های خود، دسترسی به اطلاعات یا انجام وظایف

^۱ Cortana

^۲ Siri

^۳ Google Assistant

^۴ Bixby

^۵ anti-captcha

^۱ Optical character reader (OCR)

^۲ [Kurzweil](#)

^۳ Envision AI

^۴ InstaReader

^۵ Sullivan+

سخن آخر

افراد نابینا و کم‌بینا باید از تغییر دادن تنظیمات دستگاه خود و نصب نرم‌افزارهای جانبی نترسند و ببینند چه چیزی نیازهایشان را رفع می‌کند و به کارشان می‌آید؛ چراکه هر تنظیمی برگشت‌پذیر است و هر نرم‌افزاری می‌تواند حذف شود؛ علاوه‌براین برای حفظ قابلیت به‌روزرسانی خودکار، سلامت دستگاه و امنیت اطلاعات خوب است از نرم‌افزارهای کرک‌شده پرهیز کنند و نسخه اصل را از بازارهای رسمی یعنی میکروسافت‌استور^۳، گوگل‌پلی^۴، گلکسی‌استور^۵ و اپ‌استور^۶ که جزو امکانات پیش‌فرض و داخلی سیستم‌عامل‌ها هستند یا از وبگاه رسمی شرکت‌های توسعه‌دهنده تهیه کنند. اگر هم توان مالی یا امکان خرید نرم‌افزارهای پولی را ندارند می‌توانند از محصولات رایگان مشابه استفاده کنند.



نیابتی، می‌توانند مشخصات کارت بانکی‌شان را به آشنایان بدهند یا هزینه خرید را کارت‌به‌کارت کنند.

اخیراً بیشتر نرم‌افزارهای خرید و پرداخت آنلاین از صفحه‌خوان‌ها پشتیبانی می‌کنند، مثلاً افراد نابینا و کم‌بینا می‌توانند

برای انتقال پول به یک کارت یا حساب دیگر، خرید شارژ و پرداخت هزینه تاکسی‌های خطی، تسویه قبوض و اقساط از همراه‌بانک‌ها و اینترنت‌بانک‌ها مانند ملی و ملت یا اپلیکیشن‌های پرداخت مانند ایوا و ۷۲۴ بهره ببرند. برای گرفتن ماشین و موتور از سایت و اپلیکیشن اسنپ یا سایت و اپلیکیشن تپسی و شماره تلفن ۱۵۵۱ اسنپ یا شماره تلفن ۱۶۳۰ تپسی استفاده کنند. برای پیک و جابه‌جا کردن وسایل، از سایت و اپلیکیشن آلوپیک کمک بگیرند. اقلام سوپرمارکتی را از سایت و اپلیکیشن اسنپ‌مارکت یا سایت و اپلیکیشن آکالا و محصولات فروشگاه‌های را از سایت و اپلیکیشن دیجی‌کالا بخرند. برای سفارش غذا از رستوران‌ها و فست‌فودها به سایت و اپلیکیشن اسنپ‌فود سر بزنند. برای دانلود کتاب‌های الکترونیکی و صوتی به سایت و اپلیکیشن فیدیبو، سایت و اپلیکیشن طاقچه و سایت و اپلیکیشن نوار بروند. برای گرفتن خدمات تخصصی منزل مانند سیم‌کشی به سایت و اپلیکیشن آپاره و برای گرفتن خدمات پزشکی و روان‌شناسی به سایت و اپلیکیشن اسنپ‌دکتر مراجعه کنند. برای خرید اقلام مارک مانند کتانی نایک^۱ با قیمت مناسب می‌توانند به نمایندگی‌های فروش آنها منظم سر بزنند و شماره تماسشان را برای پیامک خبر فروش اقلام تک‌شده و تخفیف‌های دوره‌ای بدهند تا کم‌کم اقلام مورد نیاز خود را با خرید از حراجی‌های مختلف بگیرند.

^۵ Galaxy Store

^۶ App Store

^۱ NIKE

^۲ Crack

^۳ Microsoft Store

^۴ Google Play

آگاه به دغدغه‌های معلولان از سر این سازمان کم شده است.

مددکاران، غریبه با نابینایان

ندا. ح، دانشجوی مقطع ارشد رشته حقوق، و نابینای مطلق است. او می‌گوید: برخی مددکاران بهزیستی کمترین آگاهی از نابینایان و مسائل مربوط به آنها ندارند و در برخورد با ما تنها تفکری که دارند، نگاه از بالا به پایین و نگرش مبتنی بر نیازمندی است، درحالی‌که دانش و تخصص برخی از نابینایان از خود مددکاران بیشتر است.

ندا ادامه می‌دهد: ادبیات مددکاران بهزیستی، به‌ویژه با افراد نابینا صدقه‌ای است. در مراجعه به بهزیستی آنها اغلب بنا را به نیاز مالی این افراد و در مقابل این مدل فکری، برخوردشان را بر محور رفع تکلیف، کم‌لطفی و بی‌احترامی می‌گذارند. این در حالی است که برخورد متناسب با شأن افراد نابینا کمترین پیش‌نیاز خدمات مددکارانه است و نیازمند تأمین هیچ بودجه و اعتباری نیست.

دولت الکترونیک در بهزیستی بی‌معناست

محسن. ق در کودکی مشکل بینایی نداشته است. او بعدها در اثر ابتلا به یک نوع بیماری نادر بینایی، هر دو چشم خود را از دست داده و حالا مطلقاً نابیناست. او که لیسانس علوم تربیتی دارد و کارمند یکی از اداره‌های بهزیستی در شهرستان است، می‌گوید: مدل رفتار با معلولان در خود بهزیستی و زیرساخت‌های خدمات‌دهنده به معلولان دچار ایراد است.

او توضیح می‌دهد: پانزده سال است در بهزیستی کار می‌کنم، اما هنوز امکان دسترسی به رایانه و اتوماسیون اداری را ندارم. هنوز بهزیستی که متولی معلولان در کشور است، نتوانسته مشکل و محدودیت کارکنان کم‌بینا و نابینای خود را برطرف کند و من و همکاران با محدودیت بینایی، امکان ارائه خدمات الکترونیکی به جامعه هدف را نداریم.

چرخش در بر پاشنه قدیمی: رواج

معلول‌زدگی در بهزیستی

بهزیستی در ارائه خدمات غیر

هزینه‌ای به معلولان ضعیف است

رؤیا بابائی: خبرنگار حوزه معلولان



گلایه معلولان از سازمان بهزیستی فقط به خدمات نیازمند اعتبار محدود نمی‌شود. بخش اعظم بی‌توجهی به افراد معلول و نادیده‌گرفتن شرایط آنها توسط بهزیستی، مربوط به آن دسته از خدماتی می‌شود که به بودجه و اعتبار نیاز ندارد و بیشتر به فرهنگ درون‌سازمانی مربوط می‌شود.

شیوه برخورد کارکنان سازمان بهزیستی با معلولان، ناآگاهی و آشنایی اندک آنها با انواع معلولیت‌ها، نبود نگاه مددکارانه در رفتار با معلولان، عدم تلاش برای کاهش تعداد مراجعه معلولان به بهزیستی، فقدان زیرساخت ارائه خدمات از راه دور و... همگی از مشکلاتی هستند که ارتباطی به بود و نبود بودجه سازمان ندارند.

کارکنان بهزیستی می‌توانند با رفتار محترمانه خود خلأ بسیاری از خدمات وابسته به اعتبار را پر کنند یا می‌توانند بسیاری از درخواست‌ها را تلفنی و از راه دور ارائه دهند. همچنین می‌توانند با اتخاذ تمهیداتی از تعدد مراجعه، به‌ویژه در مورد افراد با معلولیت‌های شدید بکاهند؛ بدون آنکه برای این امور هزینه‌ای صرف شود، اما هیچ‌یک از این اتفاق‌های ساده که قطعاً دستاوردهای بزرگی خواهند داشت نمی‌افتد تا در همچنان بر پاشنه قدیمی‌اش بچرخد و نشان دهد سال‌هاست سایه مدیریت دلسوز و

مفید بودن و هم در راهیابی به مدار پیشرفت در فضای کار به برابری با سایر همکاران نمی‌رسند.

عدم نظارت بر فضای مراکز مثبت زندگی

علی.خ، مدیر یکی از انجمن‌های نابینایان، ضمن گلایه از عدم مناسب‌سازی دفترهای مراکز مثبت زندگی می‌گوید: مناسب‌سازی دفترهای این مراکز کمترین حق معلولان است.

او بیان می‌کند: در موارد بسیار زیادی مراکز مثبت زندگی فضای نامناسبی دارند و این در حالی است که نظارت به فضای کاری این مراکز برای بهزیستی هزینه‌ای ندارد و فقط نظارت بیشتر و دقیق‌تری را می‌طلبد.

وی ادامه می‌دهد: واگذاری امتیاز این مراکز نیز جای بحث دارد. اغلب مدیران مراکز مثبت زندگی نیروهای غیرمتخصص را با کمترین دستمزد جذب می‌کنند و آنها هم انگیزه و دانش کافی برای برخورد با معلولان را ندارند، درحالی‌که سامان‌دهی این مراکز پول نمی‌خواهد، بلکه نگاه تخصصی، کنترل و نظارت می‌خواهد.

او همچنین اذعان می‌کند به مدیران سنوات گذشته بهزیستی دسترسی بیشتری وجود داشت و امکان انتقال مشکلات به آنها برقرار بود، اما مدیران کنونی، حتی خود را پاسخ‌گو هم نمی‌دانند.

شلختگی کار در بهزیستی

جواد س. ضمن ابراز ناراحتی از برخورد نامناسب کارکنان بهزیستی، می‌گوید: اخیراً برای تمدید کارت معلولیت به بهزیستی رفتم، اما علاوه بر ناراحتی از رفتار کارکنان آنجا، از شلختگی کارشان، به شدت عصبانی شدم.

او بیان می‌کند: من از کسانی هستم که کمترین مراجعه را به بهزیستی دارم؛ با این حال هر بار که برای کاری مجبور به مراجعه به بهزیستی می‌شوم، می‌گویند پرونده‌ات نیست و گم شده و مدت زیادی را صرف پیدا کردن پرونده‌ام می‌کنند.

به گفته او اتوماسیون اداری بهزیستی با اشکال دسترس‌پذیری برای افراد نابینا مواجه است و برای کاربران نابینا دسترس‌پذیر نیست؛ برای همین یکی از همکاران که مدرک دکتری رشته مرتبط را دارد و در یکی از بخش‌های کلیدی، در بهزیستی کار می‌کند، فقط به دلیل در دسترس نبودن اتوماسیون ارتقا نمی‌گیرد، چون در دولت الکترونیک تعریف شده توسط بهزیستی قادر به چک کردن کارتابل خود نیست و به دلیل همین ضعف جدی گرفته نمی‌شود. حل این مشکل برخلاف تصور همه به جای پول، به درایت نیاز دارد و در بحث مناسب‌سازی از بهزیستی انتظار می‌رود الگوی سایر دستگاه‌ها باشد.

اتوماسیون بهزیستی غیرقابل دسترسی

برای نابینایان

ح. محمدی، یکی از کارکنان ستادی سازمان بهزیستی کشور، می‌گوید: من در سال‌های نزدیک به بازنشستگی‌ام قرار دارم. در این سال‌ها بسیاری از همکاران با سوابق و تحصیلات پایین‌تر از من پیشرفت کرده و توانسته‌اند پست‌های بالاتری احراز کنند، اما افرادی مانند من با داشتن سوابق و مهارت‌های مشابه یا حتی بیشتر تنها به دلیل آنکه سیستم خدمت‌دهی برایمان مناسب‌سازی نشده و ما را در برخی امور نیازمند کمک همکاران نگه داشته است، همچنان یک کارمند عادی باقی ماندیم و فرقی با کارکنان تازه‌وارد نداریم.

این کارمند سازمان بهزیستی تأکید می‌کند: رفع مشکلاتی مانند مشکل من در گرو پول و اعتبار نیست. سازمان سالانه میلیون‌ها تومان برای خدمات الکترونیکی هزینه می‌کند و به‌عنوان تنها نهاد متولی امر معلولیت کافی است با اندک تأملی، حتی برای تبلیغ هم شده امکان دسترسی به سامانه‌های خود را برای کاربران نابینا هم فراهم کند، اما حاضر به انجام چنین کاری نیست؛ از همین رو کارکنان نابینای بهزیستی هم در بحث

سؤال ساده پرسید و خواست به تابلویی که من نمی‌دیدم نگاه کنم.

او ادامه می‌دهد: این کار برای معلولیت‌های شدید و به‌خصوص افراد نابینا کاملاً غیرضروری است و من انجام آن را بهانه‌ای برای رونق کاسبی بهزیستی می‌دانم.

عدم تسهیلگری

مرتضی. س، مدیر یکی از انجمن‌های نابینایان در یکی از استان‌های کشور، می‌گوید: بهزیستی از تعدادی از اعضای نابینای ما که از بهزیستی درخواست وام و سایر خدمات کرده‌اند، خواسته است تا به کمیته امداد مراجعه کنند و استعلام عدم عضویت بیاورند.

وی ادامه می‌دهد: این در حالی است که کارکنان بهزیستی با استفاده از شبکه دولت الکترونیک می‌توانند در کمترین زمان این استعلام را بگیرند، اما معلوم نیست به چه علت حاضر به تسهیل امور نیستند.

او می‌افزاید: رفتارهای رفع تکلیف‌محورانه درخور شأن بهزیستی و جامعه هدف آن نیست. بدنه بهزیستی باید متوجه باشد که با افرادی مواجه است که حتی یک تردد اضافه هم برایشان سخت و همراه با هزینه است و باید تا جای ممکن خواسته‌های این طیف را بدون نیاز به حضور فیزیکی آنها پیش ببرد.

به گفته مرتضی، احترام به معلولان از ارائه خدمات مالی به آنها فراتر است. ما بیش از هر چیز احترام می‌خواهیم و احترام چیزی نیست که با کاهش و افزایش بودجه سازمان کم و زیاد شود، بلکه باید در فرهنگ سازمان نهادینه شود.

رواج معلول زدگی در بهزیستی

«مراقب باشید در برخورد با افراد دارای معلولیت دچار معلول‌زدگی نشوید!»

این فرد با محدودیت بینایی ادامه می‌دهد: کارکنان بهزیستی در پاسخ به اعتراض من به گم‌شدن پرونده‌ام می‌گویند: «تقصیر خودت است، باید مرتب به ما سر بزنی تا پرونده‌ات مدام در دسترس باشد و فراموش نشود.» این خواسته عجیب است. در شرایطی که در همه جای دنیا تلاش بر این است که خدمات از راه دور به افراد برسد، چطور ممکن است بهزیستی از مراجعان خود مراجعه بیشتر را بخواهد؛ آن‌هم به این دلیل که از پرونده‌هایشان مراقبت شود؟!

جواد می‌گوید: اولاً در دنیای امروز که همه کارها الکترونیکی شده است، چرا پرونده‌های بهزیستی هنوز کاغذی مانده‌اند و دوم اینکه چطور ممکن است پرونده‌ای گم شود؟ مگر بهزیستی خانه شخصی افراد است که هر کسی هر شیئی را جابه‌جا کند و برنگرداند؟

او ادامه می‌دهد: نظم و انضباط در کار، به‌ویژه در نگهداری پرونده و اطلاعات مددجویان آسان‌ترین وظیفه سازمان است و چیزی نیست که سازمان بتواند فقدان آن را به بودجه ربط دهد. وقتی بهزیستی در امور اولیه خود دچار اشکالات اساسی است، آیا می‌تواند در زندگی میلیون‌ها معلول تحولی ایجاد کند؟

سنجش معلولیت، رونق دکان بهزیستی

جواد س. در ادامه، سنجش دوباره معلولیت را بهانه بهزیستی برای کسب درآمد می‌داند. او می‌گوید: معلولیت چیزی نیست که با قرص و دارو رفع شود و اغلب معلولان، به‌راحتی، تغییر وضعیت نمی‌دهند؛ با این حال اتفاقی در سازمان بهزیستی شکل گرفته است به نام «سنجش دوباره معلولیت».

او توضیح می‌دهد: تمدید کارت معلولیت در گرو سنجش معلولیت است. اخیراً که برای تمدید کارت معلولیت‌م به بهزیستی مراجعه کردم، از من که نابینای مطلق هستم، خواستند از نظر بینایی سنجی معاینه شوم و فردی که هیچ تخصصی نداشت، در ازای گرفتن پول از من چند

سه‌میه سه‌درصد معلولین منهای نابینایان:

ده نکته قابل تأمل در باب آزمون

استخدامی آموزش و پرورش

دکتر صلاح‌الدین محمدی: دبیر آموزش و

پرورش استثنایی

باز آزمون استخدامی دیگری برگزار شد و باز تعداد زیادی از نابینایان با هزاران امید و آرزو با هدف رهایی از دنیای منحوس بیکاری و عواقب نفرت‌انگیز آن تصمیم به شرکت در این استخدامی گرفتند.

در یکی دو سال اخیر با در نظر گرفتن سهمیه معلولان در استخدامی‌های آموزش و پرورش، امیدها در دل معلولان نیز زنده شده که این بار با برخوردهای توهین‌آمیز برگزارکنندگان آزمون و افرادی که کار گرفتن مدارک و انجام ارزیابی‌های اولیه را به عهده دارند، مواجه نخواهند شد، چون این بار به‌حق در استخدامی متعلق به خویش شرکت کرده‌اند و حتی محل خدمتشان نیز مدارس دانش‌آموزان با نیازهای ویژه مشخص شده است، غافل از اینکه برخی از این همکاران به‌ظاهر آگاه، هیچ آگاهی، سواد و دانش تربیتی ندارند و به جای دیدن نیمه پر لیوان، نیمه خالی آن را دیده و با مراجعه دوستان با آسیب بینایی، درست دست بر نقص بینایی آنها گذاشته و مدعی بودند که شما توانایی و صلاحیت لازم برای اداره کلاس را ندارید، چون اگر دانش‌آموزی، مخفیانه، از کلاس خارج شود، شما متوجه این مسئله نخواهید شد.

واقعیت تلخ این است که این همکاران فرهیخته، داوطلب شغل معلمی را به‌جای معلم، زندانبان، و کلاس درس را زندان پنداشته‌اند که گویا معلم باید به‌جای تدریس و تعلیم و تربیت فرزندان این مرز و بوم، چون ملا باجی‌های قدیم ترکه‌ای در دست داشته باشد و در کلاس نگرهبانی بدهد که کسی مخفیانه از آن خارج نشود!

این جمله را یکی از فعالان حوزه معلولیت می‌گفت و از همه می‌خواست تا آن را سرلوحه فعالیتشان کنند، اما آنچه این روزها و سال‌های اخیر در سازمان بهزیستی مشاهده می‌شود، مصداق بارز معلول‌زدگی است.

بدنه سازمان بهزیستی دچار معلول‌زدگی شده است. اگرچه تعمیم این رویکرد به همه کارکنان این سازمان بی‌انصافی است، اما اغلب کارکنان حوصله پذیرش مراجعه‌کنندگان معلول خود را ندارند و بیشتر خواسته‌های مددجویان خود را بی‌آنکه به تأمین اعتبار و بودجه ربطی داشته باشد به بودجه گره می‌زنند و به گواه گواهان، دلایلی که برای از سر باز کردن معلولان جستجو می‌کنند، از تلاششان برای رفع مشکلات پیشی گرفته است و انجام درخواست‌ها را منوط به کسب اعتبارات بودجه‌ای می‌کنند.

شاید بتوان به گروهی از مددکاران که تماس دائم با معلولان دارند حق داد و روزمرگی آنان را امری طبیعی دانست، اما از آنجاکه همه کارکنان این نهاد به طبیعت بهزیستی اشراف دارند و همچنین ماهیت شغل مددکاری به از پا نایستادن و پایداری در همه شرایط استوار است؛ بنابراین برای کارکنان این سازمان بیش از لختی درنگ و تأمل نمی‌توان تخفیف داد.

همکاران سازمان بهزیستی از روز اول به‌سختی کار خود واقف‌اند و در صورت خستگی یا انصراف می‌توانند به‌جای اختلال در خدمت‌دهی و اتلاف وقت هزار تن مددجو، راه خروج و انتقال به سازمان‌های دیگر را برگزینند، اما برای کم‌کاری و ابتلا به روزمرگی مجوزی ندارند.



نسل‌مانا

۲- اگر جواب این سؤال مثبت است، به این حقیقت تلخ می‌رسیم که انگار این قشر از افراد جامعه فقط مصرف‌کننده صرف هستند، فایده و سود دیگری در خلقت آنها به چشم نمی‌خورد و کاری جز تولید زحمت و هزینه برای دولت و جامعه ندارند و باید به فکر نابودی آنها به هر شیوه ممکن بود.

۳- در صورت منفی بودن جواب سؤال بالا، دولت، مجلس و نهادهای سیاست‌گذار، برنامه‌ریز و تصمیم‌گیرنده آگاه و مدبر روشن کنند که فرد با آسیب‌بینایی که تحصیل کرده است و مدارک و مدارج عالی دارد، دقیقاً به درد چه مشاغلی، غیر از معلمی می‌خورد و اگر زحمتی نیست و این قشر را جزء شهروندان این مملکت حساب می‌کنند، فکری به حال زندگی شرافتمندانه آنها کنند!

۴- بنا به ادعای دوستان آموزش و پرورش، منظور از معلولان تمام معلولان، جز افراد با آسیب‌بینایی است. این نکته هم در نوع خود قابل توجه است. گویا در دسته‌بندی جدید آموزش و پرورش، نابینایان از فهرست معلولان خط خورده‌اند و معلوم نیست به کدام قشر از جامعه تعلق دارند تا حقوق خود را در گروه خود پیگیری نمایند.

۵- در هر جامعه، دستگاه متولی تولید، ترویج و بهسازی فرهنگ در مورد هر موضوع، نهاد آموزشی آن جامعه است. آیا بدترین درد این نیست که دستگاه متولی فرهنگ جامعه ما، خود به بزرگ‌ترین دشمن معلول و فرهنگ معلولیت تبدیل شده و با زبان گفتار، رفتار و پندار به تمام جامعه می‌گوید که معلول توانایی کار و تدریس را ندارد؟ آن‌هم نهادی که خود متولی فرهنگ‌سازی و تغییر نگرش، باور و رفتارهای جامعه به‌شمار می‌رود.

۶- اگر دوستان و مسئولان آموزش و پرورش کمی از مدل اجتماعی معلولیت آگاه بودند، درک این مسئله برایشان دشوار نبود که نگاه ناتوان‌انگارانه در مورد



علامت سؤال بزرگی که در ذهن من معلم نابینا ایجاد شده، این است که چرا از میان طیف گسترده‌ای از ملاک‌ها و معیارهای متعدد و متنوع برای شغل معلمی مانند تسلط بر موضوع مورد تدریس، قدرت بیان، توانایی ایجاد ارتباط دوستانه، اشراف به انواع روش‌های تدریس، آگاهی از قوانین روان‌شناسی یادگیری، اطلاع از روش‌های ایجاد انگیزه در کلاس درس، تسلط به روش‌های مدیریت کلاس درس، اطلاع از روش‌های نوین یاددهی و یادگیری، تسلط به مکاتب روان‌شناسی آموزش و یادگیری، و درنهایت پرورش شهروندی آگاه به حقوق و مسئولیت‌های خویش به‌عنوان یک شهروند دارای ویژگی‌ها و استانداردهای جهانی و صدها معیار مهم و بنیادی دیگر، فقط به کنترل رفت و آمد دانش‌آموزان توجه و سایر توانایی‌های موردنیاز برای معلمی را فراموش کنیم و ارزیابی نکنیم، البته نتیجه چنین گزینش‌هایی هم مشخص و عیان است که چرا وضع کیفیت آموزش و خروجی‌های آموزش و پرورش چنین اسفناک است.

اینجا بی‌اختیار چند نکته تأمل‌برانگیز به ذهن متبادر می‌شود.

۱- اگر افراد با آسیب‌بینایی توانایی و صلاحیت معلم شدن را ندارند، پس این‌همه تلاش برای آموزش و صرف هزینه برای تعلیم و تربیت آنان چه فایده‌ای دارد و آیا صرف هزینه برای تعلیم و تربیت آنها، اتلاف هزینه‌ها و منابع آموزشی نیست؟ مهم‌تر از آن، آیا این‌گونه اتلاف منابع، غیرشرعی نیست و آیا توجیهی برای چنین حیف و میل کردن منابع بیت‌المال را دارند؟

ظرفیت‌های بالا و خارق‌العاده معلولان داد سخن می‌دهند که انگار معلولان پیامبر هستند و هر کدام صاحب معجزه‌ای! اما هرگاه که زمان عمل و دادن حقوق شهروندی به حق این قشر از جامعه می‌رسد، چنان برخوردارهای زشت و زنده‌ای را در پیش می‌گیرند و با قیافه‌ای حق‌به‌جانب، معدود فرصت‌های شغلی معلولان را نیز با ناآگاهی تمام از آنها می‌گیرند و فرصت زندگی باکرامت را از آنها دریغ می‌کنند که آدمی از این همه تناقض درمی‌ماند!

۱۰- آیا تشکلهای و سازمان‌های مربوط با معلولان نباید یک‌بار برای همیشه مسئله سهمیه ۳ درصد معلولان را حل و با پشتوانه قوانین محکم و با استناد به ادله محکمه‌پسند، حقوق شغلی این گروه را محقق سازند تا علاوه بر درد و رنج معلولیت، بیش از این و هر سال با آنها برخوردهای تحقیرآمیز نشود. نگذاریم با این برخوردهای توهین‌آمیز، حداقل انگیزه تحصیلی که برای آنها باقی مانده است، از دست برود!

به امید فردایی بهتر برای جامعه انسانی که علی‌رغم شعارها و ادعاهای به‌ظاهر انسانی و نوع‌دوستانه، در دنیای متمدن و مدرن امروز، حقوق افراد، به‌ویژه قشر ضعیف، بیش‌ازپیش پایمال گردیده است.



معلولیت و معلولان، محصول شرایط نابرابر و نامساعد اجتماعی است که در صورت بهبود اوضاع اجتماعی و احترام به دسترسی تمام افراد به فرصت‌های برابر، ظرفیت‌ها، امکانات و منابع موجود در جامعه، همه، از جمله معلولان نیز می‌توانستند از عاملی مصرف‌کننده، به نیرویی مولد و مفید به حال اقتصاد و جامعه تبدیل شوند.

حال پرسش اساسی این است که جامعه چقدر به معلولان فرصت و امکانات داده است که چنین غیرمنصفانه در مورد توانایی آنها به قضاوت و داوری می‌نشینند؟!

۷- آیا در میان معلمان بینا، حتی یک نفر پیدا نمی‌شود که توانایی و صلاحیت لازم را برای معلمی نداشته باشد؟ اگر پیدا می‌شود، آیا درست است که بگوییم چون این معلم بینا ضعیف است؛ بنابراین تمام معلمان بینا ضعیف هستند و به درد معلمی نمی‌خورند؟ حالا چرا با دیدن یکی دو معلم نابینا که به علت عدم مناسب‌سازی و ابزار و زیرساخت‌های ناسازگار عملکرد ضعیفی داشته‌اند، این موضوع را به تمام معلمان نابینا تعمیم بدهیم و حکمی کلی در مورد همه معلمان نابینا صادر کنیم که هیچ‌کدام به درد معلمی نمی‌خورند؟

۸- سال‌هاست که آموزش و پرورش و سایر دستگاه‌ها با برخوردهای توهین‌آمیز، نمک بر زخم معلولان، از جمله افراد با آسیب بینایی پاشیده و در حق آنها انواع جفا را روا داشته‌اند و معلوم نیست تشکلهای حمایت از حقوق معلولان و سازمان‌های ذی‌ربط مانند سازمان بهزیستی، دقیقاً کجای این ماجرا قرار دارند که هنوز نتوانسته‌اند چنین سازمان‌هایی را متقاعد سازند که معلولان ۱۰ درصد افراد هر جامعه را تشکیل می‌دهند و حق زندگی و کار دارند.

۹- نکته تلخ و آزاردهنده این است که هر کدام از این مسئولان در مراسم مربوط با معلولان، شعار «معلولیت محدودیت نیست» را تکرار می‌کنند و چنان از توانایی و

معلولان و قوانین ایران

نگین حیدری: کنشگر حوزه حقوق افراد دارای معلولیت

سخن آغازین



توجه به شرایط زندگی معلولان جنگی، موجب شد که جامعه به وجود معلولان عادی که شرایطی مشابه با آنها دارند پی ببرد. با افزایش دانش و رشد روزافزون وسایل ارتباطی و اطلاع‌رسانی، افراد دارای معلولیت و کنشگران حوزه معلولان نیز در کشورهای مختلف، برای بهبود شرایط زندگی و حذف تبعیض‌های ناروا به پا خاستند و با مبارزه‌های گوناگون مدنی، تصویب قوانین مرتبط با حقوق معلولان و اصلاح قوانین موجود به‌منظور مکلف کردن دولت‌ها به شناسایی حقوق معلولان، حذف تبعیض‌های موجود را مطالبه کردند که نتیجه همه آن رنج‌ها و تلاش‌ها، قوانینی است که با سابقه نسبتاً طولانی در بعضی کشورها در حوزه معلولان به تصویب رسیده است و در سطح بین‌المللی علاوه بر وجود اسناد بین‌المللی در خصوص جنبه‌های مختلف حقوق معلولان، به‌صورت یک قانون جداگانه بین‌المللی، در کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت تجلی یافت.

در ایران هم در زمان‌های دورتر، ردپای قوانین مرتبط با حقوق معلولان را در کنار سالمندان و گروه‌های آسیب‌پذیر و عناوینی از این دست، به‌صورت مواد پراکنده در برخی قوانین می‌توان پیدا کرد. اگرچه افراد معلول و کنشگران این حوزه، با گذشت زمان و نه هم‌سو، بلکه به دنبال تحول‌ها و مطالبه‌گری‌های بین‌المللی، اصلاح قوانین ناکارآمد، تصویب قوانین ویژه و حذف تبعیض‌ها را از روش‌های مختلف مطالبه کرده‌اند، ولی مهم‌ترین قوانین مربوط به حقوق معلولان در ایران، قانون جامع حمایت از حقوق معلولان، مصوب سال ۱۳۸۳، قانون الحاق دولت ایران به کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت، مصوب ۱۳۸۷ و درنهایت قانون حمایت از حقوق معلولان مصوب ۱۳۹۶ هستند.

اگرچه کشور ایران به کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت پیوسته است و این سند بین‌المللی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و قانونی لازم‌الاجرا است، ولی قانون‌گذار، خود را ملزم به رعایت موادی که آن را مغایر با قانون اساسی و دین اسلام اعلام کرده نمی‌داند؛

اگر نیم‌نگاهی به سابقه تاریخی قوانین مرتبط با حقوق معلولان در کشورهای مختلف جهان بیندازیم، در روزگاری نه‌چندان دور به دورانی می‌رسیم که به دلیل باور اجتماعی موجود، افراد معلول یا در مقابل خدایان قربانی یا از خانواده و اجتماع طرد و در مکان‌های دور و بدون امکانات نگهداری می‌شدند.

پس از دو جنگ جهانی اول و دوم، کشورهای درگیر در جنگ با انبوه سربازانی مواجه شدند که به دلیل آسیب‌های بدنی ناشی از جنگ، معلولیت‌های مختلفی پیدا کرده بودند. از یک‌سو جامعه، خود را در مقابل آنها و وضعیت زندگی‌شان مسئول می‌دانست و از سوی دیگر نگهداری از آنها در مراکز ویژه و درمان و خدمات‌رسانی به آنها، هزینه‌های بسیاری برای دولت‌ها داشت؛ از این رو قوانینی خاص در مورد جنبه‌های مختلف معیشتی و رفاهی معلولان جنگی، به تصویب رسید.

نواک: نوای کتاب در گفتگو با

صاحب‌نظران نابینا

رقیه شفیعی: کارشناس بخش نابینایان نهاد

کتابخانه‌های عمومی ایلام

درود بر خوانندگان نسل مانا و دوستداران سرویس
نواک!

این ماه هم مهمان لحظات شما شده‌ایم تا با موضوعی دیگر و مهمانی دیگر به گفتگو بنشینیم و علاوه بر شناخت کلی راجع به موضوع مورد بحث با فهرستی از کتاب‌های معرفی شده در آن حیطه آشنا شویم و همچنین معرفی تعدادی از کتاب‌های اضافه شده به آرشیو صوتی کتابخانه‌های ویژه نابینایان را هم بشنویم.

مهدی احمدی، کارشناس ارشد علوم قرآن و دبیر بازنشسته آموزش و پرورش، مهمان این ماه نواک، برای شنوندگان راجع به تاریخ عاشورا و فرهنگ عاشورا صحبت می‌کند.

احمدی در پاسخ به این پرسش که واعظان و مداحان و روحانیان راجع به عاشورا و فرهنگ آن بسیار سخن‌ها گفته‌اند و می‌گویند، اما این سخنان گاهی برای شنوندگان ابهام‌آمیز است و نمی‌توان به رخ دادن بعضی اتفاق‌ها اطمینان داشت و مطمئن بود که چنین اتفاق‌هایی در واقعه عاشورا صحت داشته است؛ می‌گوید: وقتی یک نگاه جامع‌تر و کلی‌تر داشته باشیم؛ متوجه می‌شویم که هرچقدر یک واقعه تاریخی از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و هرچقدر که بیشتر لازم بوده این واقعه مورد نظر مردم باشد، به همان نسبت میزان تحریف آن هم افزایش یافته است. این موضوع نشان می‌دهد که شاید واقعیات کم‌اهمیت تاریخ جزء سالم‌ترین وقایع به حساب آیند. وقایع مهم همیشه از طرف دو گروه مورد تحریف واقع شده‌اند. این دو گروه برای ما کاملاً مشخص هستند؛ یکی طرفداران آن واقعه و

در نتیجه پابندی خود را به این سند بسیار محدود کرده است. از سوی دیگر اگرچه قانون حمایت از حقوق معلولان، یک مجموعه قانونی لازم‌الاجرا در کشور است، بسیاری از مواد آن به دلیل تأمین نشدن اعتبار و بودجه مورد نیاز، مدت‌هاست به فراموشی سپرده شده است.

افراد دارای معلولیت، بخشی غیرقابل‌انکار از جامعه هستند که شرایط جسمی آنها محدودیت‌هایی را در جنبه‌های مختلف زندگی برای آنها ایجاد می‌کند که با وجود قوانین الزام‌آور و کارآمد و پذیرفته‌شدن به‌عنوان عضوی از جامعه در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها، این محدودیت‌ها تا حد زیادی کم‌رنگ می‌شوند. به‌وسیله این قوانین و اطلاع‌رسانی شایسته و اصلاح فرهنگ عمومی، جامعه مدنی درمی‌یابد که معلولیت در بسیاری موارد به دلیل هم‌سو نبودن با پیشرفت‌ها و دستاوردهای علمی، نبود اطلاع‌رسانی صحیح و به‌موقع به اقصای مختلف جامعه، اولویت نداشتن پیشگیری بر درمان و بسیاری عوامل دیگر به وجود می‌آید و مسئولیت جامعه نسبت به افراد معلول یک تکلیف اجتماعی است، نه از روی ترحم و دلسوزی.

با توجه به مواردی که گفته شد، در مجموعه پیش رو با عنوان «معلولان و قوانین ایران» در نظر داریم از طریق گفتگو با وکلا، کارشناسان و افراد با تجربه‌های علمی و کاربردی، معلولان را با حقوق خود در قوانین مختلف آشنا کنیم و عموم جامعه نیز با حقوق افراد معلول و وضعیت قوانین ایران نسبت به معلولان آشنا شوند. به این امید که با افزایش آگاهی معلولان، مطالبه‌گری‌های آنها به‌منظور تصویب قوانین هماهنگ با شرایط و ضرورت‌های عملی زندگی‌شان در ابعاد مختلف جهت گیرد.

در خاتمه، خوانندگان می‌توانند جهت اطلاعات بیشتر به پادکست ضمیمه مراجعه کنند.

داشته باشند که افزایش وسایل ارتباط جمعی و شبکه‌های اجتماعی باعث شده است که بسیاری از شبهه‌هایی که در گذشته می‌توانست در ذهن کسی شکل گیرد، الآن می‌تواند شکل عمومی بگیرد و همیشه هم کسانی هستند که درصدد نشر این شبهه‌ها برمی‌آیند. این کارشناس تأکید می‌کند که از رفتن به دل این شبهه‌ها نترسید و تصور نکنید که اگر شما این شبهه را نگویند، به دست آن فرد کم‌سواد و کم‌اطلاع هم نخواهد رسید. مطمئن باشید که به دست آنها هم خواهد رسید! پس باید تلاش کنید برای آن شبهه‌ها جواب‌های منطقی به دست بیاورید؛ آن شبهه‌ها را مطرح کنید و سپس جواب هم بدهید، زیرا اگر کسانی که مطلع هستند، آنها را مطرح نکنند، به‌رحال شبهه‌ها مطرح می‌شوند، اما جواب درستی به دنبال نخواهند داشت و از نظر احمدی این خطری است که اصل دین و وقایع دینی را تهدید خواهد کرد.

مهمان نواک در بخش معرفی کتاب برای افراد با آسیب بینایی یک کتاب را معرفی می‌کند و به بیان نقاط قوت و ضعف کتاب می‌پردازد و دلایل اینکه چرا فقط یک کتاب را معرفی کرده است ذکر می‌کند.

مهمان نواک معتقد است یکی از راه‌هایی که کمک می‌کند تا ما نسبت به مطالب مذهبی که می‌خوانیم، دیدی بازتر و نگاهی منصفانه‌تر داشته باشیم، این است که آن مطالب را از زبان کسانی بخوانیم که اعتقاد کمتری دارند، مثلاً راجع به حضرت علی (علیه‌السلام) کتاب‌های بسیاری نوشته شده است، ولی کتابی که جرج جرداق نوشته است می‌تواند کتاب بهتری باشد، زیرا او مسیحی است و تعصبی را که یک مسلمان یا یک شیعه نسبت به حضرت علی (علیه‌السلام) دارد، او ندارد؛ در نتیجه به هر آنچه از حضرت علی (علیه‌السلام) به‌جا مانده نگاه منطقی‌تری خواهد داشت، البته باید توجه داشت که کتاب چنین افرادی ممکن است شبهه‌هایی در ذهن ما ایجاد کند، اما بهتر است که اجازه دهیم تا شبهات ایجاد شوند و ما به دنبال جواب آنها برویم.

دیگری دشمنان آن واقعه که هرکدام با اهداف خاص خود دست به تحریف واقعه زده‌اند .



مهدی احمدی در ادامه دلایل تحریف دوستان و دشمنان را توضیح می‌دهد. او توضیح می‌دهد راجع به کربلا این سخن نقل شده است که «هرکس بگیرد و بگریاند مشمول ثواب می‌شود.» اما اینجا قیمت گریاندن هم مهم است. میهمان نواک راجع به این سخن حکایتی تعریف می‌کند که برای شنوندگان خالی از لطف نخواهد بود .

احمدی راجع به قیام امام حسین (علیه‌السلام) از زبان خود امام چنین نقل می‌کند که من دیدم حلال خدا دارد حرام و حرام خدا حلال می‌شود؛ به همین خاطر قیام کردم. او در ادامه توضیح می‌دهد امام حسن (علیه‌السلام) دست به قیام نزد، چون موقعیت برای او فراهم نبود و کسانی که قرار بود در قیام او را همراهی کنند، حضور نداشتند، اما امام حسین (علیه‌السلام) دعوت‌نامه کوفیان را داشت و به دعوت هجده‌هزار نفر از مردم کوفه دست به قیام زد.

احمدی توضیح می‌دهد چگونه ما می‌توانیم منابعی را پیدا کنیم که در شناخت واقعه کربلا و فهم صحیح از این رویداد به ما کمک کند. او ادامه می‌دهد کسانی که می‌خواهند به‌عنوان واعظ یا کسی که قصد دارد در زمینه شناساندن وقایع مذهبی به دیگران فعالیت کنند، در نظر

این‌همه خدمات سازمان، انگشتمان را تا انتها در چشمان فروکردیم.

از موتور خرید آقای موشکاف

هر طوری بود به مجری رساندیم که حالا که جناب رئیس، از خدمات ارزنده صحبت کرده‌اند، اجازه بدهید ما نیز به‌عنوان جامعه هدف، شاهدهی بر مدعایشان باشیم و تقدیری بکنیم از خدمات آن بزرگ‌مرد. تیرمان به هدف خورد و پس از مدیر، از ما به‌عنوان شاهدهی بر مدعایشان دعوت کردند پشت تریبون برویم و صحنه بگذاریم بر صحبت‌های مدیر گرام. ما که در موقعیت قرار گرفتیم، تازه فهمیدیم چه غلطی خوردیم و حسابی از نقشه‌ای که کشیده بودیم مثل سنجاب پشیمان شده و قصد کردیم برویم بالا و مثل همیشه از پر و بال سیاه‌رنگ مدیر تعریف کنیم، اما دیگر دیر شده بود. دوستان پشتیبان، هر کدام چیزی در گوشمان گفتند که ترجیح دادیم برنامه را بی‌نقص پیش ببریم تا مگر جان سالم به در ببریم. پشت تریبون رفتیم و با دلی ناآرام و قلبی نامطمئن و صدایی لرزان شروع به صحبت کردیم.



– آقای رئیس! ما که چندان از این آمارهای فضایی شما سر در نیاوردیم. می‌خواستیم اگر امکان داشته باشد، چند تا سؤال کوتاه پرسیم که تکلیف همه‌مان روشن شود. لطفاً بفرمایید شما دقیقاً با کدام سابقه کاری ریاست این سازمان عریض و طویل را پذیرفتید؟ پیش از اینجا کجاها خدمت کردید و هدف و برنامه‌تان برای سازمان چیست؟ بعد از اینجا کجا می‌خواهید بروید؟

چند روز پیش که در هفته باسعادت بهزیستی تشریف داشتیم، مثل هر سال از سازمان فخریه تماس گرفتند و ما را برای حضور در جشن‌های ۲۵۰۰ساله‌شان دعوت کردند. دعوت‌کننده برای اینکه حسابی ما را تشویق به رفتن کند، گفت: جناب موشکاف! در این مراسم، خود شخص اول سازمان هم تشریف دارند و تازه ناهار هم چلوکباب می‌دهند. شما هم میهمان ویژه هستید و سفارش می‌کنیم نان اضافه هم به شما بدهند. ما که عهد بسته بودیم دیگر در این مراسمات پرفایده و اثرگذار شرکت نکنیم، با این حرف فشارمان رفت روی پانصد و تصمیم گرفتیم یک‌بار برای همیشه، از شرمندگی دوستان دریابیم. پیش خودمان گفتیم آخر ننگ و خفت تا کجا! می‌رویم و در حرکتی آکروباتیک حقشان را کف دستشان می‌گذاریم؛ از همین‌رو با زبانی نرم گفتیم: بسیار عالی! فقط اگر امکان داشته باشد، ما چند دقیقه هم وقت می‌خواهیم که از خدمات ارزنده جناب اعلا حضرت سازمان، تقدیر و تشکر کنیم. دعوت‌کننده که حسابی کیفور شده بود، موافقت کرد و ما ماندیم و نقشه‌ای که برای اعلا حضرت کشیده بودیم.

برای اینکه کم نیاوریم و حسابی از شرمندگی سازمان دریابیم، تصمیم گرفتیم چند تا از دوستان را هم با خودمان ببریم که اگر پایمان لغزید، ما را به راه راست هدایت کنند. این بار دیگر تصمیم جدی بود.

روز موعود به مراسم رفتیم. مثل همیشه، سالن اجتماعات در طبقه دهم برج عاج مملو از سیاهی‌لشکری بود که برای دست‌بوسی به آنجا آورده شده بودند. ظاهراً دوستداران چلوکباب امسال بیشتر شده بودند. مراسم شروع شد و پس از خیرمقدم، خود مدیر پشت تریبون رفت و حدود یک‌ساعت و نیم مشغول ارائه آمار توصیفی، استنباطی، پیشرفته و فوق پیشرفته شد و ما همه از

نسل‌مانا

اینها هم مثل آنها می‌شوند، البته خدمات دیگری هم داریم که مسئول کمیته مناسب‌سازی توضیح می‌دهند.

مسئول محترم پشت تریبون رفت و گفت: ما برای ایجاد یک حرکت انقلابی در موضوع مناسب‌سازی، قرارگاه مناسب‌سازان جهادی را تشکیل داده‌ایم که در کل کشور ۱۱۸ پایگاه و ۶۶۶ فرمانده دارد. چهارده هزار و پانصد نفر در این قرارگاه‌ها به صورت شبانه‌روزی مشغول به کار هستند که به دلیل کمبود نیرو، مجبور شدیم از نهادهای دوست و بیکار هم کمک بگیریم. تاکنون چهار میلیون و پانصد هزار ساعت در این قرارگاه‌ها بحث و تبادل نظر شده و ۳۵ میلیون کیلومتر راه در کل جهان شناسایی شده که نیاز به مناسب‌سازی دارند. عملیات اجرایی آن نیز تحت عنوان «نقشه راه» آغاز شده و در فاز اول، موفق شدیم پیاده‌رو مقابل سازمان را تسطیح کنیم، البته متأسفانه شهرداری مجدداً آن را دست‌کاری کرده که در حال رایزنی برای ترمیم هستیم.

گفتیم: خب! اینکه واقعاً ستودنی است. نقشه راه خیلی چیز خوبی است. آقای رئیس! می‌توانید خیلی ساده بفرمایید شما دقیقاً چه خدمات آموزشی توان بخشی به جامعه هدف، به ویژه نابینایان ارائه کرده‌اید؟

فرمودند: اینکه دیگر تخصص ماست موشکاف جان! خانم معاون توان بخشی! لطفاً پاسخ بدهید. سرکار خانم فرمودند: ما در یک سال اخیر، سیزده میلیون عدد پوشک بچه و بزرگ و اینها تهیه کرده‌ایم که مددجویان راحت باشند؛ علاوه بر این ۳۶ عدد ویلچر برقی، ۴۸ عدد ویلچر نفتی، ۵۶ عدد ویلچر گازی و ۷۶ عدد هم ویلچر خورشیدی وارد کرده‌ایم که البته بخشی به دلیل تحریم‌های ظالمانه استکبار جهانی به دستمان نرسیده، بخشی هم اشتباهی به کشور دوست و برادر، اوکراین فرستاده شده که برای سربازان شجاع روس استفاده شود، بخشیش هم تو گمرک گیر کرده که مشغول رایزنی برای ترخیص هستیم. ضمناً ما دوازده هزار باتری سمک به نابینایان داده‌ایم که بروند بفروشند

رئیس که حسابی تعجب کرده بود و انتظار چنین چیزی از این حقیر محافظه‌کار را نداشت، زیر لب گفت نانت را آجر کردی بدبخت! بعد هم با لبخند و با اعتمادبه‌نفس تمام گفت: والا ما از بدو تولد در جاهای مهم مدیر بودیم و مدارکش هم موجود است؛ اولش که مدیر پاسخ‌دهی به تلفن‌ها بودیم در شهرداری. بعدش که یکی از دوستانمان بر مسند قدرت نشست، حسابی به توانمندی ما پی برد و ما را مدیرکل سازمان فخریه در یکی از استان‌ها کرد؛ خب! هم لیاقتش را داشتیم و هم تخصصش را. بعدش قدردان را ندانستند و ما هم رفتیم و چند سازمان دیگر را سر و سامان دادیم؛ دوباره که دوستانمان بر مسند بازگشتند و باز متوجه لیاقت ما شدند، ما را فرستادند اینجا خدمت بکنیم به اقشار بدبخت بیچاره، البته ما انتظارمان وزارت بود، ولی دوستان گفتند فعلاً چند ماهی اینجا خودی نشان بده ببینیم چند مرده حلاجی. ایشالا امیدواریم وزیر بشویم و مشکلات شما را بتوانیم با فراغ‌بال بیشتری حل کنیم! باور بفرمایید این سازمان مدیری خاکی‌تر و لایق‌تر از من به خود ندیده. ما دستور داده‌ایم به جای مبلمان و کف‌پوش‌های گران‌قیمت، کف دفترمان را موکت کرده‌اند که هم از عطر پای همه مراجعان بهره‌مند شویم، هم با جامعه هدف بدبخت بیچاره‌مان همدلی داشته باشیم.

ما که از توضیحات رئیس کاملاً قانع شدیم، سؤال دوم را در حوزه مناسب‌سازی مطرح کردیم: آقای رئیس! ممکن است بفرمایید در این سال‌ها دقیقاً برای مناسب‌سازی چه کاری کرده‌اید؟

رئیس با افتخار فرمودند: در این زمینه کارنامه تپلی داریم. ما با رایزنی‌های فراوان با برخی برادران متصل، بودجه خوبی گرفتیم و یک مسیر میان کابل تا مزار شریف را مناسب‌سازی کردیم تا همه کسانی که قصد دارند از تهاجم دموکراسی غربی درس عبرت بگیرند، به آنجا بروند و متنه شوند. حتی ما کلی بودجه هم گرفتیم و نصف کارکنان سازمان فخریه را هم فرستادیم آنجا که کمتر حرف بزنند و بدانند که اگر حواسشان نباشد،

آنجا عصبانی شده و مقامات را مورد عنایت قرار داده‌اید. می‌بینید که سامانه اردک کاملاً دقیق است.

ما که حسابی داشتیم از فرط چرندیات دوستان منفجر می‌شدیم، آماده حمله شدیم که رئیس میکروفون را گرفت و گفت: خب موشکاف جان! همه مهمانان گرسنه هستند، اجازه بدهید باقی بحث را بعد از خوردن چلوکباب دنبال کنیم! دوستان ما شما را به رستوران راهنمایی می‌کنند.

بعد هم دو تا آدم قلچماق آمدند و دو طرف مرا گرفتند و تا به خودم بیایم، با اردنگی از در پشتی سازمان بیرون انداختند. وقتی به بیرون پرت شدم، به این فکر می‌کردم که سال‌های قبل حداقل با شکم پر از اینجا بیرون می‌رفتم. آخر این چه غلطی بود که مرتکب شدیم! لعنت بر دهانی که بی‌موقع باز شود!



ارادتمند

موشکاف

خودشان برای خودشان هر عصبایی که دوست دارند تهیه کنند؛ علاوه بر این ما چندین میلیون معلول را خوداشتغال کرده‌ایم، یعنی چیزی نمانده که خوداشتغال بشوند. قرار است به محض اینکه جور شد و فراهم شد، ما تفاهم‌نامه‌ای با بانک و دانشگاه و پالایشگاه و آسایشگاه امضا کنیم که معلولانی که نفتی بوده و تحصیلات دانشگاهی داشته‌اند و چند صبحی هم بستری بودند، به بانک معرفی شوند و وام بگیرند و خود اشتغال شوند. چیزی به امضای تفاهم‌نامه نمانده، فقط دنبال خودکار مناسب می‌گردیم که امضایش کنیم.

ما بیشتر از قبل قانع شدیم و گفتیم: آقای رئیس! شما و همه همکارانتان تا اینجا عالی بودید، ممکن است بفرمایید چرا پرونده‌هایمان را گم و گور می‌کنید؟ ما به اندازه موه‌های نداشت‌ه سرمان به مددکاران فخیم، کارت ملی و کپی شناسنامه داده‌ایم و بارها به کمیسیون پزشکی رفته‌ایم، اما هنوز موفق به دریافت کارت معلولیت نشده‌ایم و تازه بعد از گذشت شش سال، اصلاً معلوم نیست پرونده ما کجاست! شما این همه از پرونده الکترونیک حرف می‌زدید، چه شد آن همه حرف رایگان؟!

رئیس فرمود: این امکان ندارد. مسئول انفورماتیک ما پاسخ‌گوی این سؤال شماست.

انفورماتیک با بادی به غبغب گفت: ما سامانه اردک «اطلاعات راهبردی دقیق کوران» را به همین منظور راه‌اندازی کرده‌ایم که با یک کلیک به شما تمام اطلاعات لازم را می‌دهد. کد ملی‌تان را بفرمایید تا من همین الان تمام اطلاعات شما را خدمتتان ارائه کنم.

انفورماتیک بعد از جستجو گفت: خب اطلاعات کامل شما اینجاست. پرونده شما با احتمال ۲/۹۸ درصد، در یکی از این ۲۵ مرکز است. من همین الان برایتان نامه می‌زنم که شما به این مراکز ببرید و جوابتان را فوری بگیرید، البته در پرونده شما این موضوع هم درج شده که هفته پیش به یکی از مراکز ما مراجعه کردید و در



برجسته نگار هوشمند همراه، تولید شرکت پکتوس



صاحب امتیاز: انجمن نابینایان ایران

وبسایت: www.naslemana.com / ایمیل: info@naslemana.com

اینستاگرام: @naslemana.mag / تلگرام: @naslemana / واتساپ: ۹۱۲۷۲۷۷۵۵۳ +۹۸

شماره تماس: ۰۲۱-۲۲۵۶۰۲۵۵ / سامانه پیامکی: ۵۰۰۰۲۲۲۲۲۶